

نشریه علمی نامه معماری و شهرسازی، ۱۵(۳۹)، ۲۹-۵۳

10.30480/AUP.2022.4475.1974

نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل انگاره منفعت عمومی در برنامه‌ریزی با روش ردیابی نقشه‌نگارانه بررسی موردی یک برنامه تغییر کاربری زمین در چمستان*

سمیه زندیه

دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول مکاتبات)

E-mail: s_zandieh@sbu.ac.ir

مظفر صرافى

استاد گروه طراحی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

برنامه‌ریزی نیازمند خودآگاهی درباره نقش‌اش در حفظ منافع خاص، در پس ادعای منفعت عمومی است. در ایران، به دلیل وارداتی بودن برنامه‌ریزی نوین در عرصه عمومی و بالیدن آن در بستری متفاوت از کشورهای دموکراتیک، اندیشیدن به انگاره منفعت عمومی به مثابه علت غایی برنامه‌ریزی پیچیده‌تر است. در چنین بستری خودآگاهی برنامه‌ریزان از مسیر تأمل بر آنچه تا کنون در واقعیت این بستر اتفاق افتاده ممکن می‌شود. هدف این پژوهش برداشتن گامی برای نزدیک شدن به واقعیت برنامه‌ریزی در ایران و ربط آن به انگاره منفعت عمومی، با تمرکز بر یک برنامه تغییر کاربری زمین در شهر چمستان است. برای دستیابی به این هدف، این پژوهش از روش ردیابی نقشه‌نگارانه استفاده می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که در فرایند این برنامه، سه سرهم‌بندی هم‌منفعت با مناسبات قدرت، دانش و سوژه‌سازی مختلف شکل گرفته‌اند. هر سرهم‌بندی در توجیه عمومی بودن منافع مورد نظرش، تمام قدرت و اختیارات خود را (همچون حق صدور مجوز، حق رأی، قدرت مالی) به کار می‌گیرد، اسناد کارشناسی و دانش جدید (همچون طرح امکان‌سنجی، طرح ارزیابی اثرات زیست محیطی) تولید و یا به دانشی از پیش موجود استناد می‌کند و به سوژه‌سازی از «خود» و از «دیگری» دست می‌زند. در نهایت آنچه سرنوشت این برنامه را رقم می‌زند، نه منفعت عمومی، که مناسبات و بازی‌های قدرت بین سرهم‌بندی‌ها برای دفاع از منافع‌شان است.

کلیدواژه‌ها: منفعت عمومی، تغییر کاربری، ردیابی نقشه‌نگارانه، سرهم‌بندی، چمستان

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری سمیه زندیه با عنوان «واکاوی انگاره منفعت عمومی در برنامه‌ریزی کاربری زمین: موردپژوهی زمین‌های بهداشت چمستان» است که با راهنمایی دکتر مظفر صرافى در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی انجام شده است.

مقدمه

انگاره منفعت عمومی نقشی کلیدی در تفکر و عمل برنامه‌ریزی دارد و حرفه و رشته برنامه‌ریزی همواره مشروعیت و هویت خود را مدیون این انگاره بوده است. با این حال، تعریف منفعت عمومی هرگز روشن و ساده نبوده و همچنان مناقشات بی‌شماری بر سر چیستی (و بود و نبود)، و چگونگی ارزیابی و سنجش آن در جریان است. چشم‌اندازهای نظری مختلف، با اتکا به پیش‌فرض‌های هستی‌شناسانه خود، برخوردهای مختلفی - از تلاش برای تدقیق و بازتعریف آن^۱، تا به چالش کشیدن و نقد آن^۲ - با این انگاره داشته‌اند و برخوردهای انتقادی با آن، گاه تا بدانجا پیش رفته‌اند که جایگاه حرفه و رشته برنامه‌ریزی را هرچه متزلزل‌تر کنند. نظریه‌پردازان اقتصاد سیاسی مارکسی همچون هاروی (1978; 213, 224-219) و فاینشتاین و فاینشتاین (1982; 151-148) منفعت عمومی را قسمی ایدئولوژی در خدمت سرمایه‌داری می‌دانند که با شیوه‌ای «علمی» تضادها را مدیریت و نرخ بهره بیشتر را تضمین می‌کند. نظریه‌پردازان قدرت همچون فلویبر (۱۳۹۹)، پرسل (2016c; 2016d)، و هیلیر (2003; 2007; 2011a) با اتکا به پژوهش‌های نظری و تجربی نشان داده‌اند که آنچه به عنوان «دانش» در برنامه‌ریزی به کار می‌رود، نه بی‌طرف و خنثی، بلکه دانشی در خدمت منافع گروه‌های خاص بوده که پس عقلانیت و منفعت عمومی پنهان شده است. نظریه‌پردازان انتقادی دیگری (Dikec, 2005; Hillier 2003, 2011a, 2008; Hillier & Gunder 2003, 2005; Ploger, 2004; Gunder, 2003, 2005; Gunder & Hillier, 2007, 2016) نیز با استفاده از نظریه‌های آگونیسم موف، روان‌کاوی لکان، و پلیس رانسیر نشان داده‌اند که اساساً دستیابی به منفعت عمومی مورد نظر برنامه‌ریزی ناممکن است. چرا که شکل‌گیری هر «ما»-یی با منفعت مشترک، نیازمند ساخت «دیگری»-ای است که از «عموم» منفعت عمومی غایب‌اند، یا در آن شمرده نشده و از آن طرد شده‌اند. در نهایت، این انتقادات نقش دولت و برنامه‌ریزی را، به عنوان نماینده و وکیل عموم، بیش از پیش به پرسش کشیده و پیش‌فرض‌ها درباره «خوب بودن برنامه‌ریزی» را به تعلیق درآورده‌اند. اما این تعلیق در وهله نخست، برای حفظ برنامه‌ریزی و در درجه بعد، برای ترقی آن ضروری است (فلویبر، ۱۳۹۹، ۱۸۴). به دیگر سخن، برنامه‌ریزی برای ادامه حیات خود نیازمند قسمی خودآگاهی و تأمل بر نقش‌اش در حفظ منافع خاص در پس ادعای منفعت عمومی است و این خودآگاهی پیش‌نیاز هر دگرگونی هستی‌شناختی در منفعت عمومی و در نظریه و عمل برنامه‌ریزی است (Miraftab, 2016, 1-2).

برنامه‌ریزی نوین در عرصه عمومی در ایران، به مثابه فعالیتی وارداتی، در بستری متفاوت از کشورهای دموکراتیک و توسعه‌یافته سربرآورده است. این امر اندیشیدن درباب منفعت عمومی به مثابه علت غایی برنامه‌ریزی در کشور را پیچیده کرده و ضرورت بازنگری در تجربه برنامه‌ریزی ایرانی را حیاتی می‌سازد. در چنین بستری، رسیدن به خودآگاهی درباب نقش برنامه‌ریزی در ایران، از راه تأمل بر آنچه تا کنون در واقعیت این بستر اتفاق افتاده (به‌رغم آنچه ادعا شده) محقق می‌شود. یک راه در این مسیر، روایت و بازگویی تجارب انضمامی برنامه‌ریزی در ایران و پاسخ به پرسش «در واقعیت چه رخ داده» است. با این توضیح، این مقاله بر آن است که با اختیار رهیافت انتقادی تحلیل قدرت و با ردیابی یک تجربه خرد و انضمامی در تغییر کاربری زمین، گامی در نزدیک شدن به واقعیت برنامه‌ریزی در ایران بردارد. به این اعتنا، این مقاله بر یک برنامه تغییر کاربری از کشاورزی به گردشگری در یک زمین ۳۸۰ هکتاری در پیرامون شهر چمستان، استان مازندران متمرکز می‌شود و فرایند تصمیم‌گیری در این تغییر کاربری را برمی‌رسد تا به این پرسش پاسخ دهد که در واقعیت فرایند تغییر کاربری این زمین کشاورزی - به‌رغم ادعای منفعت عمومی - چه اتفاقی افتاده است. به این منظور، این پژوهش از روش‌شناسی ردیابی نقشه‌نگارانه^۳ که هم‌زمان متمرکز بر تبارشناسی فوکویی و پراگماتیک دلوزی است، استفاده می‌کند.

این مقاله چهار بخش دارد: در بخش اول، چارچوب نظری پشتیبان پژوهش مقاله (شامل واقعیتِ منفعت عمومی؛ دیسپوزیتیف و سرهم‌بندی به مثابه ابزارهای تحلیلی برای فهم واقعیت؛ و دلالت‌های هنجارین برای تحلیل منفعت عمومی) مرور می‌شود؛ در بخش دوم، پس از معرفی مختصر مورد مطالعاتی مقاله، با اتکا به روش‌شناسی ردیابی نقشه‌نگارانه، روش‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها در پژوهش تشریح می‌شوند؛ در بخش سوم، یافته‌های پژوهش در سه گام تشریح‌شده در روش‌شناسی ارائه می‌شوند؛ و در بخش چهارم جمع‌بندی نهایی مقاله ارائه می‌شود.

واقعیتِ منفعت عمومی

این مقاله با تمرکز بر دو سنت فوکویی^۴ و دلوزی^۵، به مسئله منفعت عمومی از یک چشم‌انداز تحلیل قدرت می‌نگرد. چنین چشم‌اندازی، انگاره منفعت عمومی را نه به مثابه یک امر هنجارین، که در جایگاه موضوعی نیازمند پرسشگری می‌بیند و به جای تجویز «آنچه که انجام دادن و دانستن‌اش برای ما ناممکن است»، می‌خواهد «پیشابندی^۶ را که ما را ما کرده است» دریابد (Foucault, 1984, 46). به این ترتیب، این چشم‌انداز پرسش انتقادی «واقعیت منفعت عمومی چیست؟» را جایگزین پرسش ایدئالیستی «منفعت عمومی چگونه باید باشد؟» می‌کند (Gunder, 2015, 256). در این بخش سعی بر آن است که با کمک دو سنت یادشده به این پرسش پاسخی داده شود:

- **منفعت عمومی به مثابه توجیه:** نظریه‌پردازان سنت فوکویی مفاهیمی چون منفعت عمومی را به مثابه توجیهی برای عقلانی نشان دادن تصمیم‌هایی می‌دانند که در حقیقت در خدمت قدرت‌اند. آنها به تاسی از فوکو، هر تعریفی از امر خیر به مثابه پدیده‌ای از پیش موجود و جهان‌شمول را رد می‌کنند و بر آنند که این دست مفاهیم در درون مناسبات قدرت «به دست ما و به شکل جمعی تعریف، مشق و ابداع می‌شوند» (Foucault, 1980b, 13). با این حال رد جهان‌شمولیت از دید آنها به معنای قسمی نسبی‌گرایی ارزشی نیست، بلکه کار این سنت این است که نشان دهد که چه نیروها و مناسباتی با چه کیفیتی، یک تصمیم یا کنش را برای عموم برمی‌سازند و چه ارزش‌هایی را بدین واسطه بر عاملان تحمیل می‌کنند (Bignal, 2008, 130-131). به این ترتیب، نقد فوکویی بر آن است تا با «برداشتن نقاب از چهره قدرت» نشان دهد که قدرت چگونه خواست خود را به نام دانش و عقلانیت و به نام منفعت عمومی تحمیل می‌کند (Richardson, 1996, 283). در اینجا با الهام از فلویبر (۱۳۹۹، ۱۵۰)، می‌توان از منافع رو یا پیدا و منافع پشت یا نهان سخن گفت^۷. منفعت پیدا آن چیزی است که به نام منفعت عمومی بروز می‌یابد و به روی همگان گشوده است، اما در پشت صحنه و به دور از چشم مردم، این منافع پنهان قدرت است که سلطه دارد و واقعیت را می‌سازد.
- **منفعت عمومی به مثابه آپاراتوس تسخیر:** نظریه‌پردازان سنت دلوزی همسو با سنت فوکویی، باور به هر ارزش پیش‌داده جهان‌شمولی را رد می‌کنند، چرا که چنین ارزشی حذف‌کننده و منافی امکان‌های جدید است (کولبروک، ۱۳۹۸، ۴۳ و ۴۹). در این سنت منفعت عمومی به مثابه ابزاری در دست آپاراتوس‌های تسخیر^۸ میل^۹ قابل فهم است. برای فهم این مفهوم باید با تحلیل دلوز و همکار او فلیکس گتاری^{۱۰} از میل آغازید: یعنی همان قدرتی که موجب زنده ماندن و بالیدن یک گونه است. برای آنان، میل نیروی رهایی‌بخش و آری‌گویی به زندگی است که توان آفرینش دارد، اما آپاراتوس‌هایی نظیر خانواده، دولت، و سرمایه‌داری که خود ناتوان از تولید و آفرینش‌اند، میل را تسخیر می‌کنند تا انرژی آن را به‌زیر سلطه خود بیاورند (Purcell, 2013a, 24; 2016a, 2). در میان این آپاراتوس‌ها،

مشخصاً این دولت است که به عنوان آپاراتوس تسخیر اصلی، خود را به عنوان نماینده «عموم» و ضامن و حافظ منفعت عمومی تحمیل می‌کند (Purcell, 2016c, 386-387). به این ترتیب، طبق این سنت آنچه منفعت عمومی خوانده می‌شود در حقیقت منفعت آپاراتوس دولت است که به نام منفعت عمومی قدرت اجتماعی فضا و به‌ویژه نیروهای عادی ساز آن را بازمی‌شناسد و منفعت خود را در فضای نظم یافته و انضباطی‌ای می‌بیند که دلوز آن را جامعه کنترل می‌خواند (Ploger, 2008, 52).

دیسپوزیتیف و سرهم‌بندی

دو مفهوم دیسپوزیتیف^{۱۱} و سرهم‌بندی^{۱۲} - که اولی را دستگاه فوکویی و دومی را دستگاه دلوزی به دست ما داده‌اند - به مثابه ابزارهای تحلیلی این مقاله برای فهم جهان و واقعیت آن در بستر انضمامی^{۱۳} عمل می‌کنند. به بیان دیگر، این مقاله از دریچه این دو مفهوم، که قرابت معنایی بسیاری نیز با هم دارند، به واقعیت چگونگی شکل‌گیری یک تصمیم، ارتباط آن با منفعت عمومی و گروه‌های ذی‌نفعی که حول آن شکل می‌گیرد نزدیک می‌شود. دیسپوزیتیف و سرهم‌بندی هر دو واقعیت را متشکل از عناصری یکسره ناهمگن می‌بینند. همچنین در هر دوی این مفاهیم بر تمایز امور گفتمانی / بیانی^{۱۴} و امور مادی^{۱۵} در فهم جهان تأکید می‌شود. اما فوکو و دلوز با تأکیدات متفاوتی مفاهیم‌شان را بسط داده‌اند.

تمایزی که فوکو میان عناصر گفتمانی و مادی قائل می‌شود، از نظر او تنها در ساحت تحلیلی مجاز بوده، و درک واقعیت اتفاقاً وابسته به دیدن این امور به صورت یک کل همبسته است. این یعنی، فهم امور گفتمانی بدون درک نسبت آنها با مادیت‌شان ممکن نیست (دریفوس و رایینو، ۱۳۹۹، ۱۶۴). دیسپوزیتیف از نظر فوکو (1980a, 194) ابزار تحلیلی‌ای است که با ترسیم شبکه مناسبات میان عناصر ناهمگن، درک چگونگی سوار شدن گفتمان‌ها بر بستر مادی را امکان‌پذیر می‌سازد. به این ترتیب، برای فهم منفعت عمومی ادعایی یک برنامه، به کمک این ابزار تحلیلی می‌توان شبکه مناسبات میان عناصر درگیر را - که می‌توانند چیزهایی ناهمگن همچون سازمان‌ها، قوانین و مقررات، گزارش‌های فنی و تحلیلی، ساختمان و زمین، امیال و آرزوهای افراد و چیزهایی از این دست باشند - ترسیم کرد. هیلیر (2011a, 869-870) این شبکه مناسبات را در برنامه‌ریزی شهری چنین صورت‌بندی کرده است:

خطوط نیرو^{۱۶}: خطوط نیرو رابطه میان قدرت و دانش در یک دیسپوزیتیف را برمی‌رسند. در بررسی قدرت مهم است که درک شود چه عواطف و امیالی و چه بازی‌های قدرتی در شبکه مناسباتی که یک تصمیم را می‌سازند غالب‌اند. مثلاً گروه‌های ذی‌نفع مختلف چگونه منابع (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیروَذلک) خود را به کار می‌برند تا سهم بیشتری از منافع برنامه‌ها را از آن خود کنند. این قدرت از درون و بیرون با دانش مرتبط است؛ «دانشی که بیانی است و نه با حقیقت فی‌نفسه، ... که با ادعاهایی که ادعا می‌شود حقیقت‌اند» سروکار دارد (Hillier, 2011a, 870). مصداق چنین دانشی اسناد فنی‌ای هستند که با توجیهات کارشناسانه اما منافع مشخص، یک آلترناتیو را انتخاب و دیگر آلترناتیوها را رد می‌کنند.

خطوط سوژه‌سازی^{۱۷}: هیلیر در اینجا با الهام از هوک (2007, 31) میان دو نوع سوژه‌سازی تمایز قائل می‌شود: نخست، سوژه‌مندسازی^{۱۸} یا سوژه‌سازی از دیگری که به معنای پردازش مجموعه‌ای از دانسته‌های شخصی‌سازی‌شده جا افتاده درباره سوژه‌ای واحد است، و دو دیگر سوژه‌بودگی^{۱۹} یا سوژه‌سازی از خود، به معنای خود-تحقق‌یابی. برای نمونه، سوژه‌بودگی برنامه‌ریزان، (مثلاً اینکه خود را به مثابه متخصص یا تسهیل‌گر هویت‌یابی کنند)، و سوژه‌مندسازی آنها از دیگر عاملان (مثلاً به‌مثابه کسانی که تنها به منافع اقتصادی کوتاه‌مدت می‌اندیشند) می‌تواند کاملاً در تضاد باشد با سوژه‌بودگی دیگر عاملان از خودشان (مثلاً

به مثابه شهروندانی که حس تعلق به محل خود دارند) و سوژه‌مندسازی‌شان از برنامه‌ریزان (مثلاً در جایگاه کسانی که درکی از واقعیت ندارند).

ابزار تحلیلی دوم مورد استفاده در این مقاله، سرهم‌بندی، مفهومی دلوزی است که دلالت بر دیدگاهی هستی‌شناسانه به جهان به مثابه توده‌ای از شبکه‌های ریزوماتیک^{۲۰} و متشکل از جزئیات بسیار دارد که واقعیت را شکل می‌دهند. این شبکه‌ها عناصر ناهمگن را درون فضاهایی سیال و ترکیبی به هم متصل می‌کنند و شبکه‌هایی می‌سازند که متشکل‌اند از ارتباطات دوسویه با ثباتی موقتی که نمایانگر شرایط موجود جهان قابل مشاهده‌اند (Storper & Scott, 2016, 12). برای درک بهتر مفهوم سرهم‌بندی بهتر است بر تفاوت‌های آن با سایر مجموعه‌ها (نظیر سیستم و ارگانسیم) متمرکز شد.

- **عناصر تشکیل دهنده:** عناصر سرهم‌بندی ترکیبی از ناهمگنی‌های انسانی و نانسانی‌اند. دلوز این عناصر را در دو محور مادی و بیانی بازمی‌شناسد (Patton, 2000, 44) که یادآور دیسپوزیتیف فوکوست. هر یک از این عناصر مستقل از سرهم‌بندی عاملیت دارند که دلوز و گتاری از آن با عنوان عاملیت پخش‌شده^{۲۱} یاد می‌کنند. این یعنی عناصر نانسانی (مثل زمین، یا تکنولوژی) به‌اندازه عاملان انسانی می‌توانند عاملیت داشته باشند و تفاوت ایجاد کنند و نباید صرفاً به مثابه ابزارهایی در دست عاملان انسانی و یا مجزا و فرعی از آنان نگریسته شوند (کاورد، ۱۳۹۸، ۷-۱۱؛ Anderson et al., 2012, 180). همچنین این عناصر دارای ذاتی از پیش داده نیستند، بلکه در آنها شدن و صیوریت مقدم بر بودن است (کولبروک، ۱۳۹۸، ۴۷). این بدین معناست که در تحلیل منفعت عمومی، عناصر یک گروه ذی‌نفع، نباید به‌مثابه عناصری با خواسته‌های از پیش معین، بلکه باید پیامد و «حادث شده» در طول یک فرایند در نظر گرفته شوند.
- **مناسبات:** زمانی که یک گروه ذی‌نفع به مثابه عنصری از یک «سیستم» برنامه‌ریزی شناخته می‌شود، این گروه بر حسب نقشی که در آن سیستم دارد مطرح و یا اصلی و فرعی قلمداد می‌شود. اما در سرهم‌بندی، استقلال روابط از طرفین رابطه به رسمیت شناخته می‌شود. این به این معناست که نه دیگر می‌توان روابط را موضوعی ثانویه و فرعی در بین گروه‌های ذی‌نفع جدا از هم با منافع و نقش معین تعبیر کرد و نه دیگر، این گروه‌ها را تنها به واسطه مناسباتشان بازشناخت. تحت این مناسبات علیت به قطب‌های دوگانه بی‌نظمی و کاتورگی در یک طرف، و علت و معلول در طرف دیگر، تقلیل نمی‌یابد. بلکه علیت تحقق یافتن غیر جبری کردارهایی است که جهان را می‌آفریند (Anderson et al., 2012, 177).
- **مرز و محدوده:** وحدت سرهم‌بندی از جنس یک کل ارگانیک یا یک سیستم تام نیست که در آن بخش‌های مختلف در صلح یا با زور در یک همگنی و یکدستی قرار بگیرند و هدف عناصر تقویت مرزهای آن باشد. اما آنچه یک سرهم‌بندی را از دیگری متفاوت می‌کند، ماهیت هم‌منفعت^{۲۲} سرهم‌بندی‌ها و قوام یافتن‌شان به واسطه ائتلاف است. پس تنها وحدت این بس‌گانگی مرکب از عناصر ناهمگن و پیوندهای مستقل، هم‌عملکردی یعنی هم‌زیگری و نفع مشترک داشتن و همسازی در یک کل ناتمام است؛ یعنی چیزها مادامی بخش‌هایی از یک کل (مثلاً یک گروه ذی‌نفع موافق یا مخالف برنامه) محسوب می‌شوند که بیشترین توافق ممکن را با هم داشته باشند (Ruddick, 2012, 177; Anderson et al., 2012, 209). این یعنی هر آن امکان دارد یک عنصر در یک سرهم‌بندی با تغییر منافعتش به سرهم‌بندی دیگری بپیوندد یا سرهم‌بندی جدیدی شکل دهد. چنین تعریفی از مرز دوباره مفهوم صیوریت در سرهم‌بندی را پررنگ می‌کند.

چشم‌انداز هنجارین: خطوط گریز

در این بخش، مقاله بر آن است که با اتکا به دو سنت نظری فوکویی و دلوزی، معیارهایی برای تحلیل برنامه‌ریزی و منفعت عمومی ادعایی آن بیابد. چنانکه گفته شد فوکو بر تقدم امر واقعی بر امر هنجارین تأکید دارد، اما این بدان معنا نیست که نظریه او خالی از میدانی برای عمل سیاسی هنجارین باشد. از نظر او، عاملان باید در مقابل قدرت مستقر مقاومت کنند و این مقاومت در پی بیشینه کردن ظرفیت‌های شخص برای کنش درون قیود ذاتی جامعه سیاسی است. اما دلوز و گتاری دستورکار هنجارین متفاوتی دارند و به جای سخن از مقاومت و همآوری، از گریز می‌گویند (Purcell, 2016b, 618)^{۲۳}. از نظر آنها تولید میل برای رهایی از بند آپاراتوس‌های تسخیر (مثلاً نظمی که برنامه‌ریزی دولتی به نام منفعت عمومی ایجاد و تحمیل می‌کند) باید چیزی بسازند که آنها خطوط گریز نامش می‌نهند. مارک پرسل نظریه‌پرداز برنامه‌ریزی، مصداق‌های خطوط گریز دلوز و گتاری را در اشکال برنامه‌ریزی بدون دولت (همچون سکونتگاه‌های غیررسمی (2013a)، جنبش‌های مردمی اشغال (2013b; 2016b; 2016c)، پروژه‌های غذایی اجتماعی محور در ایالات متحده و مکزیک (2016a)، و مانند آنها) ردیابی می‌کند. به این ترتیب می‌توان نیروهای درگیر در یک برنامه از نظر دلوز و گتاری را بر دو نوع دانست: نیروهای واکنشی با کیفیت سلبی و نفی‌کننده؛ و نیروهای کنشگر با کیفیت مثبت و آری‌گوی به میل. دسته اول نیروهای در خدمت قدرت مستقر یا برساخته‌اند^{۲۴} که در کار تثبیت قلمرو و بازداشتن سرهم‌بندی از تحقق امر نهفته^{۲۵} یا آنچه ظرفیت آن را دارد هستند، و دسته دوم، نیروهایی‌اند که ظرفیت عمل سرهم‌بندی یا قدرت برسازنده^{۲۶} آن را برای آفرینش بیشینه می‌کنند (Ruddick, 2012, 210). سه ویژگی برای شناسایی دسته دوم می‌توان برشمرد (Purcell, 2013a, 22; 2016b, 620): نخست آنکه به آپاراتوس‌های تسخیر تن نمی‌دهند و به کار قلمروزدایی^{۲۷} از آن مشغول‌اند؛ دوم آنکه بر کنشگری نیروها (در مقابل واکنشی و یا منفعل بودن) تأکید دارند؛ و سوم آنکه از امر فردی فراتر می‌روند و بر قسمی حکمرانی بدون رهبر در اجتماع تأکید می‌گذارند. هدف این دسته، نه مبارزه با دولت یا برنامه‌ریزی و شکست دادن آن، بلکه آغاز آفرینش راه متفاوتی برای زیستن با هم است.

روش‌شناسی تحقیق

این مقاله متمرکز بر یک فرایند تصمیم‌گیری درباره تغییر کاربری یک زمین کشاورزی با وسعت ۳۸۰ هکتار در حریم شهر چمستان است (شکل‌های ۱ و ۲). کاربری این زمین یکبار در سال ۱۳۸۸، به گردشگری تغییر یافت، اما در سال ۱۳۹۵ با صورتجلسه کارگروه فراقوه‌ای مبارزه با زمین‌خواری، برنامه تغییر کاربری متوقف شد. از سال ۱۳۹۹، روند درخواست اخذ مجوز جدیدی برای این زمین با عنوان شهرک کشاورزی (گردشگری)^{۲۸} آغاز شده است.



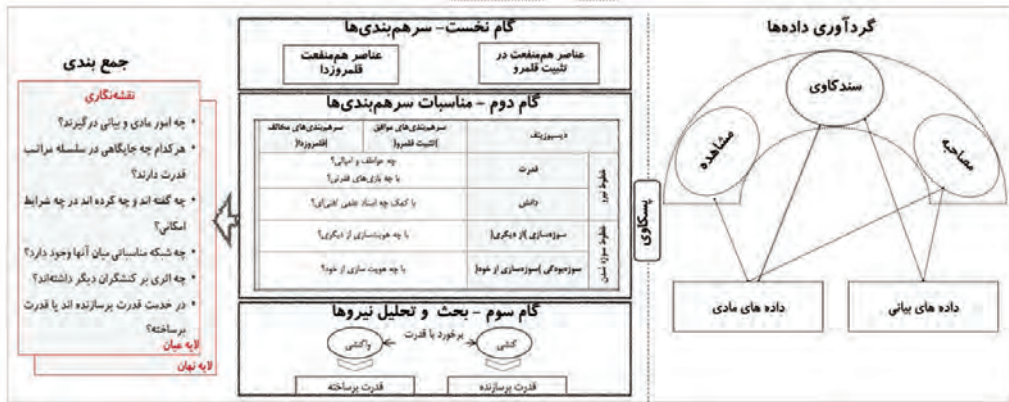
شکل ۱. موقعیت زمین در طرح هادی شهر چمستان، ۱۳۸۵



شکل ۲. موقعیت زمین در طرح جامع - تفصیلی، ۱۳۹۵

با تمرکز بر این مورد مطالعاتی، پرسش اصلی مقاله چنین صورت‌بندی می‌شود: در واقعیت (لایه نهان) فرایند تغییر کاربری این زمین کشاورزی، علی‌رغم ادعای منفعت عمومی (لایه عیان)، چه اتفاقی رخ داده است؟ به دیگر سخن، این مقاله به دنبال فهم سازوکارها و نیروهای پنهانی است که شرایط امکان رویدادها در فرایند این تصمیم‌گیری را شکل داده‌اند. برای رسیدن به این هدف، مقاله از یک روش‌شناسی ردیابی نقشه‌نگارانه^{۲۹} استفاده می‌کند که با الهام از فوکو و دلوز، و به سعی جین هیلیر (2011a) در ادبیات برنامه‌ریزی معرفی شده است. در چارچوب تحلیلی نقشه‌نگاری، موضوع این نیست که «یک چیز (در اینجا یک کنش با ادعای منفعت عمومی) چیست؟». بلکه این است که «چطور ایجاد می‌شود؟» و «چطور تحقق یافته یا می‌یابد؟» (Hillier, 2011a, 861). به این منظور، هیلیر با ترکیب ایده دیسپوزیو فوکو (و رابطه قدرت، دانش و سوژگی) و مفاهیم دلوز و گتاری درباره مادی یا بیانی بودن عناصر در سرهم‌بندی‌ها و شرح فرایندهای تثبیت قلمرو یا قلمروزدایی آنها - که در مبانی نظری تشریح شدند - می‌کوشد «ردیابی یک محصول (آنچه اتفاق افتاد) را بر فرایند تولیدش (چطور اتفاق افتاد)» بنشانند (هیلیر و آبراهامز، ۱۳۹۹، ۱۷۷). این مقاله، با الهام از این روش‌شناسی، سه گام را برای تحلیل منفعت عمومی در برنامه پیش‌گفته پیش می‌گیرد (شکل ۳):

- گام نخست، شناسایی سرهم‌بندی‌ها: پرسش این گام این است که در فرایند تصمیم‌گیری برای تغییر کاربری زمین کشاورزی مورد بحث، چه سرهم‌بندی‌های هم‌منفعتی شکل گرفته‌اند.
- گام دوم، مناسبات: سخن به میان آوردن از سرهم‌بندی‌ها به این معناست که عاملان درگیر در فرایند تصمیم‌گیری کاربری زمین، نه برحسب چیزی چون هویت یا ذات فردی‌شان، که با تأکید بر مناسبات میان‌شان بازشناخته شوند^{۳۰}. به این ترتیب، پرسشی که در این گام پاسخ داده می‌شود این است: چه شبکه مناسباتی به نام منفعت عمومی اتفاق نهایی را رقم می‌زند؟ به این سؤال از راه ترسیم خطوط نیرو و خطوط سوژه‌سازی در عناصر مادی و بیانی پاسخ داده می‌شود.
- گام سوم، بحث و تحلیل نیروها: در این گام بر اساس شناسایی و تحلیل نیروهای برساننده و برساخته (معادل انگلیسی در یادداشت ۲۴ و ۲۶ آمده است چون پیشتر در مبانی نظری آمده بود دوباره تکرار نشده. این معادل‌ها رایج‌ترین معادل‌هایی هستند که در متون دلوز و گتاری تکرار می‌شوند)، به این پرسش که چه نیروهای قلمروзда و تثبیت‌کننده‌ای شکل گرفته‌اند و در نهایت این که در واقعیت به نام منفعت عمومی چه رخ داده پاسخ داده می‌شود.



شکل ۳. روش‌شناسی مقاله

روش‌های گردآوری داده برای پیمودن این گام‌ها عبارت‌اند از (جدول ۱): سندکاوی: این روش اصلی‌ترین روش گردآوری داده در این مقاله است؛ مصاحبه: به عنوان روش مکمل سندکاوی و به دو منظور استفاده شده است: اول، پر کردن شکاف‌ها و نامعلومی‌های داده‌های عینی در جریان سندکاوی^{۳۱}، و دو دیگر، ردیابی داده‌های ذهنی مربوط به خواسته‌ها و نیات پنهان عاملان درگیر. به این منظور ۲۱ مصاحبه نیمه‌ساختار یافته در ۲۶ جلسه^{۳۲}، با عاملان درگیر و نمایندگان آنها انجام شده است؛ مشاهده: در این پژوهش از روش مشاهده کنترل نشده در دو نوبت استفاده شده است: در نوبت اول، پیش از گردآوری داده‌ها با سندکاوی و مصاحبه و در نوبت دوم پس از گردآوری داده‌ها و برای کنترل برخی موارد قابل برداشت. این داده‌ها با روش تحلیل مضمون و با رویکرد پس‌کاوی^{۳۳} کدگذاری می‌شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

گونه‌بندی داده‌ها	داده‌ها	زمان	روش گردآوری	
داده‌های پایه	نامه‌ها	۱۳۸۷-۱۳۹۵	سندکاو و مصاحبه	
	صورتحل‌ها	صورتحل‌ها کارگروه فراقوه‌ای مبارزه با زمین‌خواری		۱۳۹۵/۰۵/۲۰
		صورتحل‌ها کمیته تخصصی بررسی نقشه‌های معماری و تأسیسات گردشگری		۱۳۸۹/۱۱/۲۴ ۱۳۸۹/۱۲/۲۱ و
		صورتحل‌ها کارگروه امور زیربنایی توسعه استان		۱۴۰۰/۰۱/۲۱
		صورتحل‌ها شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان		۱۴۰۰/۰۳/۰۱ ۱۳۸۹/۰۸/۰۸ و
		صورتحل‌ها کارگروه مسکن و شهرسازی استان		۱۳۸۸/۱۲/۱۲
		سخنرانی‌ها		نطق نماینده وقت حوزه انتخابیه نور و محمودآباد در مجلس
	گزارش‌ها	گزارش طرح ارزیابی اثرات زیست محیطی		۱۳۸۹
		گزارش امکان‌سنجی و طراحی مجتمع تفریحی گردشگری بهدشت		۱۳۸۹
		طرح شهرک کشاورزی بهدشت		۱۴۰۰
		گزارش طرح جامع ناحیه‌ای ساری		۱۳۸۷
		گزارش آمایش استان مازندران		۱۳۸۸
	یادداشت‌ها	گزارش‌های منتشره شرکت مجری در کدال		۱۳۸۸-۱۴۰۰
یادداشت‌ها	یادداشت معاون وقت حفظ کاربری سازمان امور اراضی کشور درباره زمین‌ها	۱۳۹۹		
متن اخبار	اخبار منتشر شده در سایت‌های رسمی با کلیدواژه زمین بهدشت	۱۳۸۸-۱۴۰۱		
داده‌های مادی	زمین	شش سند ملکی	۱۳۶۹-۱۳۹۵	
		مجوز تغییر کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها	۱۳۸۸/۰۶/۲۵	
		موافقت اصولی سازمان میراث فرهنگی	۱۳۸۹/۰۶/۲۵	
		پروانه مجتمع تفریحی - توریستی با عملکرد عمومی	۱۳۸۹/۱۲/۲۱	
	عاملان دولتی / عمومی	تشکیلات سازمانی، ضوابط و مقررات، و رویه‌های قانونی انجام کار عاملان درگیر	-	
		تشکیلات سازمانی، چشم‌انداز و مأموریت‌ها، آگهی تأسیس، اساسنامه، و پروانه اشتغال	-	
		تشکیلات سازمانی، ضوابط و مقررات، و رویه‌های قانونی انجام کار عاملان درگیر	-	
افراد	کشاورزان معارض و ساکنان محلی	-		
قوانین	قانون حفظ اراضی کشاورزی و باغ‌ها، اصلاحیه‌ها و آیین‌نامه اجرایی آن قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور	-		
مشاهده و سندکاو	مشاهده و سندکاو	۱۳۸۸/۰۶/۲۵ ۱۳۸۹/۰۶/۲۵		
مشاهده و سندکاو	مشاهده و سندکاو	۱۳۸۸/۰۶/۲۵ ۱۳۸۹/۰۶/۲۵		
مشاهده و سندکاو	مشاهده و سندکاو	۱۳۸۸/۰۶/۲۵ ۱۳۸۹/۰۶/۲۵		
مشاهده و سندکاو	مشاهده و سندکاو	۱۳۸۸/۰۶/۲۵ ۱۳۸۹/۰۶/۲۵		

جدول ۱. روش‌های گردآوری داده در پژوهش

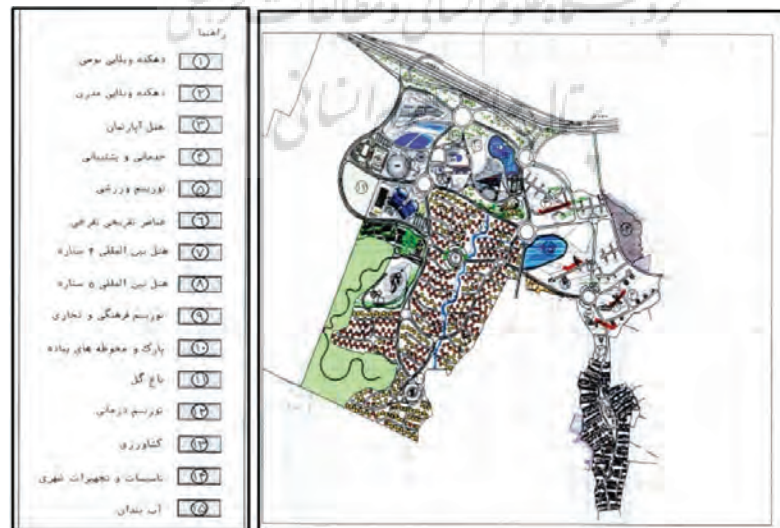
گام نخست - چه سرهم‌بندی‌هایی شکل گرفته‌اند؟

زمین کشاورزی مورد مطالعه در این مقاله، به عنوان عنصر مادی مشترک در همه سرهم‌بندی‌های شکل گرفته در فرایند برنامه تغییر کاربری، در شرق شهر چمستان و در محدوده زمین‌های کشاورزی طبقه دو^{۳۴} واقع شده است (مازند طرح، ۱۳۸۸؛ امکو ایران، ۱۳۸۷). این زمین با وسعت ۳۸۰ هکتار که پس از انقلاب مصادره و ملی شد، در سال ۱۳۶۹ برای «اجرای طرح کشت و صنعت»، به شرکت «سرمایه‌گذاری شاهد»، وابسته به بنیاد شهید، واگذار شد (جدول ۲). این شرکت در سال ۱۳۸۵، زمین را به شرکت زیرمجموعه‌اش، عمران و توسعه شاهد، واگذار کرد. در سال‌های ۸۹-۱۳۸۸، به درخواست این شرکت مجوزهای لازم برای تغییر کاربری این زمین از کشاورزی به گردشگری در مساحتی با وسعت ۱۵۰ تا ۱۹۶ هکتار صادر شد. با وجود اخذ مجوزها، تا سال ۱۳۹۵، این پروژه هیچ پیشرفت فیزیکی نداشت و به جز دیوارکشی، تهیه نقشه‌های طراحی (جدول ۴)، و تبلیغ برای واگذاری این زمین‌ها یا جذب سرمایه‌گذار در سایت شرکت، اتفاق دیگری پیرامون این برنامه رخ نداد، تا اینکه در سال ۱۳۹۵، کارگروه فراقوه‌ای مبارزه با زمین‌خواری هرگونه تمدید و صدور مجوز

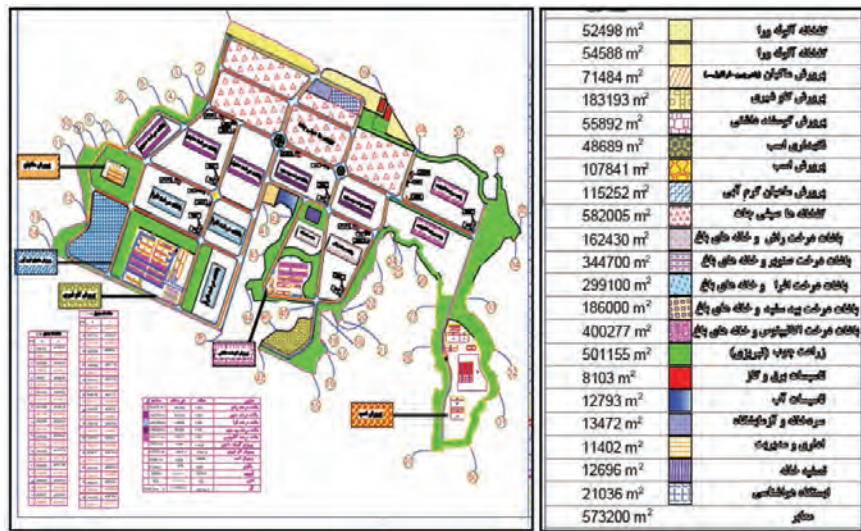
برای این زمین را ممنوع اعلام کرد. از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹، خبرهای مربوط به این زمین محدود به برگزاری مناقصاتی برای فروش بخش‌هایی از این زمین‌ها بود. با این حال در گزارش‌های منتشر شده این شرکت در کدال بورس در این بازه زمانی، همچنان از برنامه‌ها برای احیای این پروژه سخن به میان می‌آید (شرکت عمران و توسعه بهدشت، ۱۳۹۵؛ ۱۳۹۶؛ ۱۳۹۷؛ ۱۳۹۸؛ ۱۳۹۹). در سال ۱۳۹۹، این شرکت در سایت خود و خبرگزاری‌های رسمی کشور، خبر احداث شهرک کشاورزی (شکل ۵) در کل زمین یادشده را اعلام کرد که با فعالیت گردشگری درآمیخته است.

جدول ۲. خط سیر زمانی رویدادهای اصلی مرتبط با برنامه تغییر کاربری زمین کشاورزی مورد مطالعه

زمان	رویداد
۱۳۶۹/۰۶/۱۱	سازمان جنگل‌ها و مراتع زمین را «برای اجرای طرح کشت و صنعت» و با شرط «منع فروش» به شرکت شاهد می‌فروشد.
۱۳۶۹/۰۹/۱۱	شرکت شاهد زمین را به شرکت کشت و صنعت (یکی از شرکت‌های تابعه) اجاره می‌دهد.
۱۳۸۵/۱۲/۱۷	شرکت شاهد زمین را به شرکت عمران و توسعه شاهد با فعالیت در «عرصه صنعت ساختمان و املاک» می‌فروشد.
۱۳۸۸/۰۶/۲۵	کمیسیون تبصره یک ماده یک استان رأی به «ضرورت تغییر کاربری» ۱۵۰ هکتار برای «اجرای مجتمع تفریحی و توریستی» می‌دهد.
۱۳۸۸/۱۲/۱۲	کارگروه مسکن و شهرسازی وقت استان موافقت خود را با کلیات تغییر کاربری و احداث مجتمع تفریحی توریستی اعلام می‌کند.
۱۳۸۹/۰۶/۲۵	سازمان میراث فرهنگی وقت استان موافقت اصولی برای «احداث مجتمع تفریحی - توریستی، شامل هتل ۵ ستاره، هتل آپارتمان، ویلا، پارک بازی و تفریحی، تأسیسات آبرسانی و غیره» از سوی اداره کل میراث فرهنگی استان برای ۱۹۶ هکتار صادر می‌کند.
۱۳۸۹/۱۲/۲۱	سازمان همیاری شهرداری‌ها پروانه ساخت «مجتمع تفریحی توریستی با عملکرد تفریحی» را با مساحت ۱۹۶ هکتار صادر می‌کند.
۱۳۹۰/۱۲/۰۶	شرکت عمران بهدشت چمستان با هدف «مشارکت در طرح گردشگری چمستان» تأسیس می‌شود.
۱۳۹۰/۱۲/۲۷	شرکت عمران و توسعه شاهد زمین ۳۸۰ هکتاری را به شرکت عمران بهدشت چمستان واگذار می‌کند.
۱۳۹۴/۱۲/۱۷	طرح جامع - تفصیلی چمستان تصویب می‌شود. در این طرح بخش گسترده‌ای از زمین ۳۸۰ هکتاری وارد حریم شهر می‌شود.
۱۳۹۵/۰۵/۱۱	کمیته فراقوه‌ای مبارزه با زمین‌خواری دستور اجتناب از تمدید و صدور مجوز تغییر کاربری برای زمین مذکور را می‌دهد.
۱۳۹۵/۱۱/۰۳	سازمان همیاری شهرداری‌های استان در جلسه‌ای پرونده این زمین‌ها را به شهرداری چمستان تحویل می‌دهد.
۱۳۹۹/۱۲/۰۵	تفاهم‌نامه‌ای میان استاندار و مدیر عامل شرکت شاهد درباره تغییر ماهیت پروژه به شهرک کشاورزی امضا می‌شود.
۱۴۰۰/۰۱/۲۱	کارگروه امور زیربنایی توسعه روستایی، عشایری و شهری استان با کلیات پیشنهاد احداث شهرک کشاورزی بهدشت موافقت می‌کند.
۱۴۰۰/۰۳/۰۱	شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان اجرای پروژه شهرک کشاورزی را مصوب می‌کند.



شکل ۴. طرح شهرک گردشگری



شکل ۵. طرح شهرک کشاورزی

آنچه یک سرهم‌بندی را شکل می‌دهد - چنانچه پیش‌تر تشریح شد - هم‌عملکردی و هم‌منفعت بودن عناصر است. بر این اساس، در فرایند برنامه‌تغییر کاربری زمین کشاورزی مورد مطالعه سه سرهم‌بندی قابل شناسایی است (جدول ۳).

الف- سرهم‌بندی موافقان تغییر کاربری: این سرهم‌بندی ادعاهایی چون «اشتغال‌زایی»، «توسعه پایدار گردشگری»، «رفاه ساکنان»، «حفظ زمین‌های با ارزش اکولوژیک»، «عملکرد عمومی طرح» و مانند آنها را مطرح می‌کند. در این سرهم‌بندی عاملان محلی رسمی عامدانه و آگاهانه از فرایند تصمیم‌گیری و نفع‌بری بیرون گذاشته شدند. برخی از مهم‌ترین شواهد این موضوع را می‌توان چنین برشمرد:

بازی ندادن شهرداری چمستان: تا پیش از سال ۱۳۹۵، بیش از ۷۰ هکتار از ۱۹۶ هکتار تغییر کاربری یافته در حریم شهر چمستان بود. اما تا آن زمان هیچ‌گونه استعلامی از شهرداری برای تغییر کاربری نشد. شهرداری اعتراض خود را در سال ۱۳۹۱، در سه نوبت به استناداری و یک نوبت به شرکت عمران بهداشت چمستان اعلام کرد. سرانجام پس از تصویب طرح جامع - تفصیلی شهر چمستان در سال ۱۳۹۵ و پیوستن این زمین‌ها به حریم شهر، سازمان همیاری شهرداری‌ها پرونده این زمین را به شهرداری تحویل داد^{۲۵} (سازمان همیاری شهرداری‌های استان، ۱۳۹۵).

بازی ندادن نظام مهندسی شهرستان نور: در سال ۱۳۸۹، معاون عمرانی استناداری در واکنش به نامه شرکت عمران و توسعه شاهد برای درخواست «انجام نظارت پروژه توسط شرکت‌های مشاور طراح... [به‌منظور جلوگیری] از هزینه‌های مازاد به سهام‌داران» نامه را خطاب به سازمان همیاری چنین پاراف می‌کند: «در صورتی که نقشه‌ها را گروه مهندسی مشاور دارای‌گرید در موضوع ساختمانی و محاسبات سازه‌ای [تأیید کرده]، نیازی به تأیید نظام مهندسی [نیست]» (سازمان همیاری شهرداری‌های استان، ۱۳۹۵).

ب- سرهم‌بندی مخالفان - موافقان تغییر کاربری: مفصل مشترک این سرهم‌بندی، که بیشتر در مقیاس محلی فعال است، منتفع نشدن نیروهای محلی از برنامه تغییر کاربری زمین است. به بیان دیگر، عناصر این سرهم‌بندی با نفس تغییر کاربری مخالف نبوده‌اند، بلکه بیشترین دغدغه آنها شریک نشدن عناصر محلی از منافع [مشخصاً اقتصادی] این پروژه بوده و با تغییر در ترتیبات این فرایند بخشی از آنها به سرهم‌بندی موافق پیوسته‌اند. برخی از نقل قول‌های مستقیم تأیید کننده این سرهم‌بندی بدین شرح‌اند:

- «مسئولین ۲۰۰ هکتار از بهترین اراضی کشت و صنعت بهداشت را از کشاورزی به شهرک سازی تغییر داده‌اند... تنها مبلغ تغییر کاربری ۷۰۰۰ میلیارد تومان است که یک ریال آن هم برای بخش چمستان و نور مصرف نشده است» (نمانیوز، ۱۳۹۳).
 - «همه مهندسان را از تهران آورده بودند، ما از نظام مهندسی معترض شدیم که پس ما چه کاره ایم؟» (از متن مصاحبه با کارشناسان نظام مهندسی).
 - «مهندسان پروژه را از جاهای دیگر... آورده بودند، فقط هزینه نقشه برداری و تفکیک خدا تومن می‌شد، نظام مهندسی نور و کل منطقه را دگرگون می‌کرد، اما بچه‌های ما اصلاً سهمی نداشتند» (از متن مصاحبه با نماینده وقت).
 - «بالاخره در سال ۹۴، در بحث دیوارکشی، سیصد و پنجاه میلیون تومان را به شکل سه ویلا در قرچک ورامین از عزیزان [شرکت عمران بهداشت] برای شهرداری گرفتیم» (از متن مصاحبه با اعضاء وقت شورای شهر).
 - «...همین الان رقم تمدید پروانه شهرک کشاورزی ۱۵۰ میلیارد تومان است، در حالی که بودجه پارسال شهرداری ۲۷ میلیارد تومان بوده... این شهر و شهرداری را متحول می‌کند» (از متن مصاحبه با کارشناسان وقت شهرداری).
 - «خود پروژه قابل دفاع بود، اشتغال‌زایی در بخش کشاورزی اگر در حد پانصد نفر باشد، در بخش گردشگری دو هزار نفر است... شاید آنطوری... کشاورزی هم حفظ می‌شد، منتها حرف من این بود اینها، اینکاره نیستند» (از متن مصاحبه با نماینده وقت).
- ج- سرهم‌بندی مخالفان تغییر کاربری:** این سرهم‌بندی متشکل از عاملانی است که با نفس تغییر کاربری این زمین‌ها (به ویژه شهرک گردشگری) مخالف بوده‌اند برخی از عاملان قابل‌شناسایی آن عبارت‌اند از:
- کشاورزان معارض: از مساحت ۳۸۰ هکتاری زمین مورد مطالعه، ۸۰ هکتار آن به صورت قرارداد نصفه‌کاری به صورت سی ساله به کشاورزان محلی اجاره داده شده است. این کشاورزان پس از مدتی از پرداخت اجاره سرباز زده‌اند و برخی دور زمین اجاره‌ای خود را دیوار کشیده‌اند. فرایند تغییر کاربری و برنامه‌ریزی برای این زمین‌ها چه به صورت شهرک گردشگری و چه کشاورزی، دو شرکت پیش‌گفته را برای تشکیل پرونده حقوقی و پس گرفتن زمین از کشاورزان معارض مصمم‌تر کرده است. گرچه مجموعه شرکت‌های شاهد در فرایند حقوقی برنده شده‌اند اما همچنان موفق به پس گرفتن این زمین‌ها نشده‌اند. ویژگی‌های این تصرف را می‌توان چنین تشریح کرد (از متن مصاحبه با کارشناسان مجموعه شاهد و دهیاران):
 - «شرکت [عمران و توسعه شاهد] از روستایی‌ها شکایت می‌کرد، موفق می‌شد زمین را پس بگیرد، اما بعد مثلاً یکی دیگر از اقوام آن روستایی می‌آمد و زمین را تصرف می‌کرد و یک پرونده شکایت دیگر باز می‌شد.»
 - «به نظر نمی‌آید که [شرکت عمران و توسعه شاهد] بتواند [هشتاد هکتار را] پس بگیرد، مردم دارند در آن کار می‌کنند، بعضی‌ها ساختند، نهایتاً بتوانند زمین‌ها را به معارضین بفروشند.»
 - برخی از عاملان مستقل محلی: ردّ این عاملان را می‌توان هم در میان ساکنان شهر چمستان و روستاهای اطراف آن و هم حتی در بین آرای مستقل کارکنان سازمان‌های رسمی یافت. این عاملان هدف اصلی این برنامه را تأمین منافع خصوصی اقتصادی این شرکت می‌دانند (از متن مصاحبه‌ها):
 - «قصد اینها احداث شهرک گردشگری یا کشاورزی نبود و نیست، این شرکت فعالیت

- اصولی‌اش... ایجاد ارزش افزوده روی زمین از طریق تغییر کاربری و بعد فروش آنهاست... برای همین هیچ کاری نکردند.»
- «این شرکت همان موقع [۹۵-۱۳۸۸] کاتالوگ‌های تبلیغاتی چاپ... و در بنگاه‌های املاکی منطقه برای تبلیغ زمین‌هایش پخش کرده بود.»
 - «من آن طرح را گردشگری نمی‌بینم، آن طرح پروژه یک مالک خصوصی برای «کسب» درآمد است، همین.»
 - «در این منطقه نمونه این زمین زیاد بوده که اول با استناد به قانون تغییر اراضی کشاورزی مجوز تفریحی توریستی می‌گیرند، در طرح‌شان چند هتل و... هست و اطرافش ویلا و ویلاها را می‌سازند اما دیگر خبری از هتل نمی‌شود.»
- صورتجلسه کارگروه فراقوه‌ای مبارزه با زمین‌خواری: این صورتجلسه (۱۳۹۵) بر مبنای گزارش افرادی با هویت محرمانه و نامعلوم، با عنایت به موارد زیر رأی به جلوگیری از هرگونه تمدید یا اعطای پروانه ساخت و ساز در این زمین می‌دهد:
- «این زمین... به منظور اجرای طرح مجتمع کشت و صنعت به شرکت عمران و توسعه شاهد واگذار... و پس از اجرای کامل طرح به صورت قطعی منتقل می‌شود.»
 - «...اطلاعات ارایه شده در خصوص این طرح در سایت [شرکت عمران بهداشت چمستان] و همچنین تصاویر سایت پلن‌ها... نشان می‌دهد که... موافقت اصولی [سازمان میراث فرهنگی] جنبه گردشگری نداشته و طرح‌های مختلف از جمله... دهکده ویلایی سنتی و مدرن، آپارتمان، و همچنین ۷۰۵ واحد ویلایی در فاز اول... به مساحت ۲۰۰ هکتار را در برمی‌گیرد... و ۱۸۰ هکتار در فاز دوم در دستور کار شرکت بوده...»
 - «در صدور موافقت اصولی... [به] لزوم انطباق هر نوع تغییر با هدف اولیه طرح [کشت و صنعت] و... کیفیت اراضی که از نوع اراضی درجه یک آبی... بوده... و اخذ عوارض موضوع قانون و نقض برخی قوانین و مقررات از جمله قانون منع فروش... توجه نشده.»

جدول ۳. سرهم بندی‌های شکل گرفته در برنامه تغییر کاربری زمین

سرهم بندی و عناصر شناسایی شده*		توجیه منفعت عمومی
موافقت	مجموعه شرکت شاهد، و شرکت‌های مستقل طرف قرارداد عناصر رسمی درگیر در فرایند صدور مجوز در استان قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور قانون حفظ اراضی کشاورزی و باغ‌ها اسناد تهیه شده برای طرح شامل امکان‌سنجی و طراحی، و ارزیابی اثرات محیطی بخشی از عوامل محلی فعال در بخش املاک و مستغلات	اشتغال‌زایی توسعه پایدار گردشگری، رفاه ساکنان و رونق اقتصادی حفظ زمین‌های با ارزش اکولوژیک، عملکرد عمومی،
مخالفت/موافقت	شهرداری و شورای شهر نماینده مجلس وقت نظام مهندسی شهرستان نور	مخالفت: منتفع نشدن بخش محلی موافقت: اشتغال‌زایی، برندسازی برای شهر چمستان
مخالفت	قانون حفظ اراضی کشاورزی و باغ‌ها با اصلاحیه‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی آن کشاورزان معارض عاملان مستقل محلی صورتجلسه کارگروه فراقوه‌ای مبارزه با زمین‌خواری	بی‌نصیب ماندن کشاورزان مستاجر زمین هشتاد هکتاری نیت اقتصادی شرکت مجری طرح تغییر هدف اولیه طرح واگذاری زمین برای استفاده کشت و صنعت گردشگری نبودن ماهیت طرح

* زمین در همه این سرهم‌بندی‌ها به عنوان یک عنصر مادی هم‌عملکرد وجود ثابت دارد.

گام دوم - چه شبکه مناسباتی کنترل تصمیم‌گیری را به دست گرفته‌اند؟

چنانکه گفته شد هم دیسپوزتیف فوکو، و هم عاملیت پخش شده در سرهم‌بندی‌های دلوز و گتاری، بر مجزا نبودن امور مادی و بیانی تأکید دارند. با تأکید بر این وابستگی، در این بخش مناسبات میان سرهم‌بندی‌ها در دو بخش خطوط نیرو و خطوط سوژه‌سازی، برای عناصر مادی و بیانی سرهم‌بندی‌های درگیر تشریح می‌شود (جدول ۴).

الف- قدرت. به تبعیت از مفهوم عاملیت پخش شده، در این بخش از قدرت پخش شده در میان عاملان و عاملان سرهم‌بندی‌ها سخن به میان می‌آید. مهم‌ترین نمودهای قدرت پخش شده در سه سرهم‌بندی معرفی شده، و زمین که عنصر مادی مشترک در همه آنهاست در ادامه تشریح می‌شوند.

• قدرت زمین کشاورزی

- مهم‌ترین قدرت این زمین کشاورزی ناشی از زایایی و حاصلخیزی آن، توان جذب سرمایه و وام‌های کلان^{۳۶}، برخورداری از منابع طبیعی چون معدن شن و ماسه، چشمه‌ها و چاه‌های پر آب است.

• قدرت در سرهم‌بندی موافقان

- قدرت و اختیارات اقتصادی - سیاسی^{۳۷} مجموعه شرکت‌های شاهد، که وابسته به بنیاد شهید است و به منظور «کمک به تأمین آتیه اقتصادی» خانواده‌های شهدا تأسیس شده (شرکت شاهد، ۱۴۰۱) منجر به خرید زمین ملی شده از سازمان جنگل‌ها و مراتع، (تصمیم برای) تغییر کاربری زمینی که به منظور فعالیت کشت و صنعت دریافت کرده بود، و فروش آن به شرکت عمران و توسعه شاهد که فعالیت اصلی اش «پروژه‌های متنوع ساخت و ساز... و خرید و فروش املاک بزرگ» است، و همچنین دریافت مجوز تغییر کاربری زمین کشاورزی به گردشگری شد.

- مهم‌ترین قدرت عاملان دولتی در مقیاس استانی، اختیار قانونی تصمیم‌گیری و صدور مجوز برای تغییر کاربری است.

• قدرت در سرهم‌بندی مخالفان - موافقان

- قدرت شهرداری (و شورای شهر) ناشی از اختیاراتی است که به موجب قانون (مشخصاً قانون شهرداری‌ها) به آن واگذار شده است. مهم‌ترین این اختیارات که در فرایند تغییر کاربری زمین یادشده به کار آمده، نظارت بر حریم و کمیسیون ماده صد قانون است. با استفاده از این قانون، شهرداری در جریان حصارکشی پیرامون این زمین توانست از شرکت مجری خسارت دریافت کند. علاوه بر این شهرداری به کمک مشاور تهیه‌کننده طرح جامع - تفصیلی بخش عمده زمین یادشده را وارد حریم شهر کرد و به این ترتیب، پرونده زمین را از سازمان همیاری شهرداری‌های استان ربود.

- قدرت نظام مهندسی شهرستان ناشی از اختیارات او در نظارت بر حسن انجام خدمات مهندسی در حوزه شهرستان در این طرح بود. با این اختیار نظام مهندسی شهرستان در سال ۱۳۹۱، به دلیل «فاقد اعتبار بودن پروانه اشتغال شرکت عمران و توسعه شاهد برای خدمات مهندسی در حوزه ساخت و سازهای عمومی و خصوصی... صدور پروانه ساختمانی [برای این زمین] بدون ارائه پروانه نظام مهندسی» را غیرقانونی اعلام کرد.

- نماینده مجلس وقت قدرت زیادی در رساندن صدای این سرهم‌بندی در مقیاس ملی داشت. این نماینده در دو سخنرانی در صحن علنی مجلس در سال ۱۳۹۱، و در نشست‌های متعدد شهرستانی با مخاطب قرار دادن وزیر کشور، استانداری و سازمان همیاری به فرایند تغییر کاربری اعتراض کرد. چند نمونه این اعتراضات به این شرح‌اند:

- «وضع قوانین مناسبی که برای مقابله با زمین‌خواران بزرگی که از جمله در حوزه انتخابیه‌ام منابع طبیعی را آشکارا به کام خود فرومی‌برند... [از] مسائل مهم کشور است... تاراج شرکت بهداشت... [مشکلات حوزه انتخابیه را برمی‌شمرد]» (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱ الف).
 - «در کمیسیون کشاورزی من طرح سؤال کردم از [وزیر کشور وقت]... که چرا استانداری شما... زمین ذی‌قیمت... با کاربری کشت و صنعت را تغییر کاربری داده» (از متن مصاحبه‌ها).
 - «برخی مسئولین در جای گرم نشسته‌اند و دستور تخریب می‌دهند، آن زمانی که تغییر کاربری می‌دانند کجا بودید اگر می‌توانید آن مکان را از چنگشان در بیاورید» (ایسنا، ۱۳۹۴).
 - «این [اعتراض‌ها] برای من خیلی پرهزینه شد... خیلی تلاش کردند که من [در انتخابات بعدی] رای نیاورم» (از متن مصاحبه‌ها).
- قدرت در سرهم‌بندی مخالفان
- مهم‌ترین قدرت این کشاورزان معارض و ساکنان شهر و روستاهای همجوار، تأثیرگذاری بر نمایندگان مجلس از طریق حق رأی است. در اینجا، درک تفاوت تأثیرگذاری رأی‌دهندگان در شهرهای کوچکی چون چمستان با شهرهای بزرگ‌تر کلیدی است. در این شهرها، ارتباطات فردی و چهره‌به‌چهره با رأی‌دهندگان به دلایلی چون روابط اجتماعی-خویشاوندی درهم‌تنیده و غیر رسمی برای نمایندگان حیاتی است و به همین دلیل نمایندگان مجلس، نسبت به شهرهای بزرگ‌تر، برای رأی‌دهندگان بسیار در دسترس‌ترند. به این ترتیب، امکان ملاقات و درخواست حضوری، چه به صورت از پیش تعیین شده و چه اتفاقی (مثلاً در یک مجلس ختم یا یک مراسم عروسی) به مراتب امکان‌پذیرتر است.
 - قدرت کارگروه فراقوه‌ای مبارزه با زمین‌خواری ناشی از حضور نمایندگان سه قوه در آن است. مشخصاً در مورد زمین‌های مورد مطالعه، صورتجلسه این کارگروه به اصلاح بند (ز) ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی قانون حفظ اراضی زراعی و باغ‌ها (۱۳۹۶) انجامید^{۳۸} تا به موجب آن از سوءاستفاده «افراد فرصت‌طلب... که با اخذ موافقت اصولی تحت عنوان طرح‌های گردشگری... به ایجاد باغ‌شهرها و شهرک ویلایی... اقدام... و از طرف دیگر با عدم پرداخت عوارض موجبات تضییع «حقوق دولت» را فراهم می‌کنند» جلوگیری شود (کارگروه فراقوه‌ای مبارزه با زمین‌خواری، ۱۳۹۵).
- ب- دانش. چنانکه تشریح شد از دید فوکو، دانش نقش انکارناپذیری در مشروعیت بخشی به مناسبات قدرت میان عاملان دارد. در فرایند تغییر کاربری زمین کشاورزی در چمستان اسناد مختلفی تولید شده یا مورد استناد قرار گرفته‌اند. گزارش‌های تعیین توان اکولوژیک و برآورد ظرفیت محیطی در طرح آمایش استان (۱۳۸۸) و طرح جامع ناحیه‌ای ساری (۱۳۸۷) که این زمین را در محدوده کشاورزی طبقه دو قرار داده‌اند از این جمله‌اند. طرح‌های ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، و امکان‌سنجی و طراحی شهرک گردشگری از جمله دانش تولید شده پشتیبان مناسبات قدرت در سرهم‌بندی موافقان هستند که اخذ مجوز و پروانه تغییر کاربری را در سال‌های ۹۵-۱۳۸۸ ممکن کردند. همچنین یکی از تأکیدات در سرهم‌بندی مخالف‌موافقان اهمیت برنامه آمایش با این توجیه است که «بسیاری از نابسامانی‌ها در حوزه شهرسازی ناشی از عدم کارشناسی در دهه گذشته است... و محدودیت زمین در مازندان سبب می‌شود تا با روش علمی و نوکار کنیم...» (مازند نظام، ۱۳۹۳). در این سرهم‌بندی، طرح جامع-تفصیلی چمستان به‌عنوان یک طرح کارشناسی-فنی، موجبات برخورداری شهرداری از منافع مالی این طرح را فراهم کرد. در سرهم‌بندی مخالفان نیز، ارتباط با دانش از طریق نقد دانش تولید شده در سرهم‌بندی موافقان برقرار شده است.
- ج- سوژه‌سازی. در این بخش، سوژگی عاملان برحسب سوژه‌سازی آنها از خودشان و سوژه‌سازی‌شان از دیگران تشریح می‌شود.

- سوژگی زمین: در حالی که زمین قادر به سوژه‌سازی از خود نیست، اما عاملان دیگر سوژگی‌اش را تعریف می‌کنند. علاوه بر تأکید بر زمین به‌عنوان یک زمین باکیفیت کشاورزی، این زمین معانی دیگری نیز برای عاملان داشته است. ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها^{۴۹} و مراتع، تشخیص به قابلیت مالکیت شخصی این زمین داد و آن را قابل فروش کرد. ساکنان قدیمی شهر چمستان به شکلی نوستالژیک این زمین را با بستنی‌های شرکت کشت و صنعت به‌خاطر می‌آوردند. بخشی از این زمین همچنین «منبع درآمد کشاورزان» و روستاییان محلی است. برای شهرداری این زمین و فعالیت مجموعه شرکت‌های شاهد در آن پتانسیل گسترده‌ای است که «می‌تواند سرنوشت شهرداری و شهر را تغییر دهد» (از متن مصاحبه‌ها).
- سوژگی در سرهم‌بندی موافقان: شرکت عمران و توسعه شاهد در حالی که خود را «یکی از شرکت‌های موفق و معتبر... در بورس اوراق بهادار تهران... [و کمک‌کننده] به تأمین آتیه اقتصادی فرزندان معزز شاهد» معرفی می‌کند، برای دیگر عاملان به‌عنوان «یک مالک خصوصی بزرگ با منافع اقتصادی خصوصی»، سرمایه‌گذاری که «برای چمستان برندسازی می‌کند»، و نزد بخش دیگری از عاملان، متخلف و حتی زمین‌خوار و «تاراج‌گر» است (از متن مصاحبه‌ها). از سوی دیگر، عاملان دولتی نیز در حالی خود را مأموران حفاظت از منفعت عمومی معرفی می‌کنند که از نظر عاملان دیگر «یکی از شاخص‌های تخلف» (شمال نیوز، ۹۳)، «دلالت و نابودکننده محیط زیست»، و تنها «به فکر پر کردن جیب خود» (از متن مصاحبه‌ها) درک می‌شوند.
- سوژگی در سرهم‌بندی مخالف موافقان: شهرداری، شورای شهر و نظام مهندسی، عاملان در مقیاس محلی، در حالی خود را برای برخورداری از مواهب اقتصادی این برنامه محق می‌دانستند که چنانکه در بخش‌های قبل آمد، از نظر عاملان در مقیاس استانی و مجری برنامه به‌عنوان عاملان «توجیه‌نشده»، «مانع تراش برای پروژه»^{۴۰} و یا مزاحم در نظر گرفته می‌شدند (سازمان همیاری شهرداری، ۱۳۹۵). نماینده وقت که فعالیت‌هایش در مخالفت با برنامه از سوی برخی عاملان فعالیت برای جمع رأی تلقی می‌شد، خود را نماینده و در خدمت مردم معرفی می‌کرد: «زمین مال مردم است، اسم ما نماینده مردم و باید برای این مردم کاری کنیم» (از متن مصاحبه‌ها).
- سوژگی در سرهم‌بندی مخالفان: کشاورزان از دید قانون متعرض به اموال خصوصی و از دید برخی عاملان دیگر کسانی‌اند که «آرزوی تصرف این زمین‌ها را دارند» و «در همه آن ویلا می‌سازند، چنانکه پیشتر هم ساختند». خود کشاورزان اما خودشان را کشاورزان رنج‌دیده‌ای می‌بینند که «سال‌ها در این زمین‌ها کشت کرده‌اند و نان خانواده را درآوردند». کارگروه فراقوه‌ای مبارزه با زمین‌خواری از دید عاملان دیگر نهادی قدرتمند و مرعوب‌کننده است که حتی «اگر می‌خواست می‌توانست این زمین‌ها را که مصادره‌ای بودند به دلیل تخلف‌های مالک سلب مالکیت کند» (از متن مصاحبه‌ها).

جدول ۴. مناسبات قدرت، دانش، سوز ه سازی میان عاملان

عواملان	خطوط نیرو	دانش	سوز ه مند سازی	خطوط سوژگی	سوز ه بودگی
همه سرهم بندی ها	قدرت حاصلخیزی قدرت جذب سرمایه و وام قدرت برخورداری از منابع طبیعی چون شن و ماسه و چشمه و رود	طرح آمایش استان طرح جامع ناحیه های ساری	زمین قابل تصرف شخصی ابزار سرمایه گذاری منبع امرار معاش خانواده تغییر دهنده مقررات و قوانین (بند ز ماده ۱) تعیین کننده سرنوشت چمستان نوستالژیک		-
سرهم بندی موافقان	قدرت اقتصادی و سیاسی خرید زمین ملی شده از سازمان جنگل ها و مراتع در سال ۱۳۶۹ قدرت تغییر کاربری زمینی که به منظور فعالیت کشت و صنعت دریافت کرده بود و فروش آن علیرغم شرط منع فروش قدرت سیاسی و اقتصادی دریافت مجوز برای تغییر کاربری از مراجع ذیربط	طرح ارزیابی اثرات زیست محیطی طرح امکان سنجی و طراحی شهرک گردشگری	یک مالک خصوصی بزرگ سرمایه گذار زمین خوار و تارچ گر	کمک کننده به تأمین آتیه اقتصادی فرزندان معزز شهیدا فعال اقتصادی	
سرهم بندی مخالفان	قدرت قانونی نظارت بر حریم و اختیارات مربوط به ماده صد قانون شهرداری وارد کردن زمین کشاورزی به حریم با کمک مشاور طرح جامع - تفصیلی	تأکید بر روش های علمی و نو در آمایش طرح جامع - تفصیلی شهر چمستان	نامطلع از پتانسیل اقتصادی متحول کننده طرح اخلال گر و مانع تراش	نهاد های دولتی با مأموریت منفعت عمومی	
سرهم بندی مخالفان	اختیارات قانونی به عنوان مرجع صدور پروانه اشتغال به کار مهندسی برای اشخاص حقیقی و ناظر بر حسن انجام خدمات مهندسی در طرح ها و فعالیت های غیردولتی	جمع کننده رأی	مرجع معتبر برای مداخله «علمی» در برنامه		نماینده مردم
سرهم بندی مخالفان	قدرت ناشی از حضور نمایندگان سه قوه در کارگروه قدرت درخواست برای اصلاح قانون (مشخصاً در این طرح اصلاحیه بند ز ماده ۱ این نامه جرایمی قانون حفظ اراضی کشاورزی و باغ ها، ۱۳۹۶)	نقد سند امکان سنجی و طراحی شهرک گردشگری نقد سند ارزیابی محیط زیستی طرح	متعرض و زمین خوار ویلا ساز در آرزوی تصرف زمین های بیشتر		زحمت کشانی که سال ها بر این زمین ها کار کرده اند.
عواملان مستقل محلی	تأثیر گذاری بر نمایندگان از طریق برخورداری از حق رأی	-	بدون قدرت اثر گذاری		

گام سوم - چه نیروهای بر سازنده و برساخته ای وجود دارند؟

تا اینجا با استفاده از یک روش شناسی ردیابی نقشه نگارانه، در دو گام سرهم بندی های شکل گرفته در یک برنامه تغییر کاربری زمین و مناسبات میان آنها صورت بندی شدند. در این گام با استفاده از چشم انداز هنجارین دلوز و گتاری بر شناسایی پتانسیل های نیروی بر سازنده در این برنامه مشخص تمرکز خواهد شد. از سه سرهم بندی تشکیل شده، چنانکه آمد، دو سرهم بندی نخست بر اساس منافع شان در شرایط مختلف، در خدمت قدرت برساخته و در حال تثبیت قلمرو بودند. اما برای شناسایی نیروی نهفته قلمرو زدا باید به سراغ سرهم بندی سوم، یعنی مخالفان، رفت. در این سرهم بندی چنانکه تشریح شد سه عنصر قابل شناسایی است:

نخست، کارگروه فراقوه‌ای مبارزه با زمین‌خواری: این کارگروه سرنوشت این زمین (تا زمان حال) را تعیین و (فعلاً) برنامه تغییر کاربری را متوقف کرده است؛ دوم، کشاورزان معارض: این کشاورزان از جمله نیروهای محسوب می‌شوند که به شکلی غیر رسمی و با تن ندادن به مناسبات رسمی آپاراتوس‌های تسخیر کنشگری کرده‌اند؛ سوم، عاملان مستقل غیر رسمی: این عاملان گرچه ممکن است که حتی تحت استخدام یکی از عناصر آپاراتوس‌های تسخیر باشند، اما با بی‌اعتمادی به نفس تغییر کاربری‌ای که در چنین فرایندی رخ می‌دهد، به آپاراتوس تسخیر معترض هستند.

از میان این سه عامل، طبق تلقی دلوز و گتاری، عامل اول (کارگروه فراقوه‌ای) هرگز نمی‌تواند نیرویی برسازنده محسوب می‌شود. چرا که نیروهای برسازنده نمی‌توانند خود بخشی از آپاراتوس تسخیر باشند، بلکه آنها از آپاراتوس تسخیر می‌گیرند. ضمن اینکه این عامل به‌صراحت، در صورتجلسه خود از «تضییع حقوق دولت» و نه منفعت عمومی سخن می‌گوید. اما آیا دو نیروی دیگر می‌توانند همان نیروی قلمروزا و شکل‌دهنده به قدرت برسازنده باشند؟ از سه ویژگی یاد شده برای نیروهای شکل‌دهنده به قدرت برسازنده در بخش چشم‌انداز/هنجارین: خطوط‌گریز، دو نیروی اخیر هر دو ویژگی نخست را دارند، یعنی به آپاراتوس تسخیر تن نمی‌دهند و آن را نمی‌پذیرند. اما هر دو ی آنها، ممکن است در جایی به نیروی برساخته واکنش نشان داده باشند یا بدهند؛ مثلاً کشاورزان با مذاکره کردن برای خرید قانونی زمین‌های کشاورزی از مالک و عاملان مستقل منفرد با مشارکت داشتن در ارائه گزارش به کارگروه فراقوه‌ای (به‌عنوان عنصری از آپاراتوس تسخیر). همچنین هردو هنوز از امر فردی و شخصی فراتر نرفته‌اند؛ مثلاً کشاورزان تنها دغدغه تصرف زمین برای خود دارند، و عاملان مستقل فراتر از زرمه‌های اعتراضی گاه و بی‌گاه کاری نمی‌کنند. با این وجود، این هردو عامل پتانسیلی برای شکل‌گیری قدرت برسازنده و نشانه وجود آن در این برنامه مشخص‌اند. قدرت برسازنده‌ای که شاید تحلیل برود، و شاید تضعیف شود ولی هرگز از بین نخواهد رفت.

نتیجه‌گیری

این پژوهش در پی نزدیک شدن به واقعیت عمل برنامه‌ریزی در ایران برای فهم انگاره منفعت عمومی بود. پرسش اصلی پژوهش این بود که در واقعیت برنامه تغییر کاربری زمین مورد مطالعه چه رخ داده است. برای پاسخ به این پرسش در گام اول سه سرهم‌بندی هم‌منفعت شناسایی شدند. تحلیل مناسبات درونی و بیرونی آنها نشان داد که هریک در دفاع از موضع خود در برنامه و توجیه عمومی بودن منافع‌شان، تمام قدرت و اختیارات رسمی و غیر رسمی خود را (همچون حق صدور مجوز، حق رأی، قدرت مالی، قدرت سیاسی) به‌کار گرفته، اسناد کارشناسی و دانش جدید (همچون طرح امکان‌سنجی، طرح ارزیابی اثرات زیست محیطی) تولید و یا به دانشی از پیش موجود استناد کرده و در رقابت با سرهم‌بندی‌های دیگر به سوز‌سازی از «خود» و از «دیگری» دست زده‌اند. در نهایت، آنچه سرنوشت این برنامه را رقم زده، نه منفعت عمومی، که همین مناسبات و بازی‌های قدرت میان سرهم‌بندی‌ها برای دفاع از منافع سازمانی یا فردی‌شان است: عاملان برنامه‌ریزی استانی بدون در نظر گرفتن سوابق زمینی که در طرح‌های فرادست کشاورزی درجه دو معرفی و به شرط عدم فروش و اجرای طرح کشت و صنعت به یک عامل خصوصی - دولتی واگذار شده، با در نظر گرفتن منافع سازمانی اقتصادی خود یک سرهم‌بندی ساختند که به تغییر کاربری مجوز داد. آنها، در این راه با استفاده از قدرتی که داشتند، عاملان بخش محلی را تا حد امکان از بازی بهره‌بردن از منافع حذف کردند. عاملان محلی با آویختن به قدرت‌های قانونی خود در سهم‌بری از برنامه جهد ورزیدند. این عاملان سرهم‌بندی‌ای ساختند که مادامی‌که بیرون از میدان بازی قرار داشت با بازی مخالف بود و به‌صراحت دلیل مخالفت‌اش را بیان می‌کرد و

سرانجام با به‌کارگیری نیروهایش موفق به حذف عاملان استانی و به‌دست گرفتن رشته بازی شد. مقاله کوشید که نشان دهد که در این سرهم‌بندی‌ها قوانین و سیاست‌های شهری در حالی ادعای منفعت عمومی دارند که در واقعیت تشویق‌کننده چیزی دیگر بوده‌اند. برای مثال قانون حفظ اراضی کشاورزی و باغ‌ها به‌رغم ادعای حفظ زمین‌های کشاورزی، در حالی از تعیین عوارض سنگین برای تغییر کاربری «در موارد ضروری» سخن می‌گوید که در تبصره‌ای دیگر همان فعالیت‌های ضروری را معاف از مالیات دانسته و به این ترتیب، (دست‌کم در مورد مطالعه) تلویحاً مشوق تغییر کاربری کشاورزی نیز بوده است. سرهم‌بندی سوم چنانکه در گام سوم رفت، سرهم‌بندی قلمروزداست که تاکنون (گرچه نه با دخالت مستقیم نیروهای برساننده خود) سرنوشت این برنامه تغییر کاربری را تعیین کرده است. در این سرهم‌بندی دو پتانسیل برای ایجاد قدرت برساننده وجود دارند که گرچه ضعیف شده و یا تحلیل رفته‌اند و همه معیارهای سه‌گانه قدرت برساننده را ندارند اما حضور خود را به رخ می‌کشند و کنشگری می‌کنند. این پتانسیل همان امیدی است که طبق سنت دلوزی-گتاریایی می‌تواند منشأ یک دگرگونی هستی‌شناختی در برنامه‌ریزی و انگاره منفعت عمومی آن، و اساسی برای طرح این پرسش‌ها باشد که آیا می‌توان از برنامه‌ریزی‌ای سخن گفت که خود جزئی از آپاراتوس تسخیر و قدرت بر ساخته نباشد، و اگر آری، چنین برنامه‌ریزی‌ای چه ویژگی‌هایی خواهد داشت.

پی‌نوشت‌ها

۱. از جمله نگاه کنید به: Alexander, 2002a, 2002b, 2006, 2010; Campbell & Marshall, 1998, 1999, 2000, 2002; Campbell, 2000, 2010, 2012; Klosterman, 1980, 2012; Moroni, 2004, 2006, 2018.
۲. از جمله نگاه کنید به: Banfield & Meyerson, 1966; Campbell & Fainstein, 1996; Fainstein, 1982; Fainstein, 2018; Gunder, 2015; Harvey, 1978; Hillier & Gunder 2003, 2005; Hillier, 2011a; Huxley, 1994, 2002; Purcell, 2016c; Yiftachel, 1998, 2001.
3. Carthographic methodology of tracing
۴. تحلیل فوکویی هسته اصلی پژوهش‌های نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی انتقادی متعددی را شکل می‌دهد که مهم‌ترین آنها فلویبر (۱۳۹۹)، هیلیر (۲۰۰۶، ۲۰۰۸، ۲۰۱۱a، ۲۰۱۱b) و ریچاردسن (۲۰۰۲، ۱۹۹۶) هستند (جهانزاد (پیشگفتار مترجم) در فلویبر، ۱۳۹۹، ۳۱).
۵. دلوز فیلسوف پساساختارگرای فرانسوی است. از میان نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی دلوزی نگاه کنید به هیلیر: 2007, 2008, 2011a, 2011b, 2013a, 2013b, 2016a, 2016b, 2016c, 2016d, 2019. پلورگر، 2008.
6. Contingency
۷. در اثر یادشده فلویبر از عقلانیت پیدا و نهان سخن می‌گوید.
8. Apparatus of capture
۹. منشأ پرداختن به میل به افلاطون بازمی‌گردد که آن را به مثابه یکی از سه مؤلفه روان انسانی در کنار روح و عقل می‌دید. افلاطون میل را نیرویی مسئله‌ساز می‌دید که باید به مهار عقل درآید. فروید نیز برای میل نقش آید یا نهاد را در نظر می‌گیرد که باید به دست ایگو و سوپر ایگو مدیریت شود. دلوز و گتاری با ارجاع به نیچه برآن‌اند که نظریه‌های افلاطون و فروید را سروته کنند. یعنی میل به عنوان منشأ زندگی و نه یک مزاحم تکانشی تبدیل به قدرت‌رهایی‌بخش برای انسان شود (Purcell, 2013a; 2016b).
۱۰. فلیکس گتاری فیلسوف و روانکاو فرانسوی بود که همکاری گسترده و آثار مشترکی با دلوز دارد.
۱۱. Dispositif؛ در متون فارسی معادل درخوری برای این اصطلاح استفاده نشده است. در انگلیسی، چنانکه پلورگر (2008, 52, 55-56) می‌گوید این اصطلاح به شکلی تقلیل‌گرایانه‌ای، به آپاراتوس - که تأکیدهایی بیشتر عملکردگرایانه و تکنیکی دارد و سویه‌های اخلاقی سیاسی و سوژه‌سازی و امر مولد را نادیده می‌گیرد ترجمه شده است. خود پلورگر استفاده از اصل اصطلاح دیسپوزتیف را در انگلیسی ترجیح می‌دهد.
۱۲. Assemblage؛ دلالت بر عناصر ناهمخوانی دارد که با هم جفت‌وجور شده‌اند و معادل انگلیسی در نظر گرفته شده برای agencement در آثار دلوز و گتاری است. با وجودی که واژه سرهم‌بندی موقتی بودن پیوند عناصر را در چنین پیوندی

به خوبی می‌رساند اما تفاوت‌های ظریف بسیاری بین این دو واژه وجود دارد. مهم‌ترین تفاوت مورد اشاره این است سرهم‌بندی معمولاً به گردهمایی غیرجهت‌دار عناصر اشاره دارد. در حالی که آژانسمان مجموعه‌ای جهت‌دار است که به طور تلویحی بر عاملیت عناصر دلالت دارد (نک به Hillier, Abrahams, 2013, 17-18). به هر حال، به دلیل جا افتاده بودن معادل‌های انگلیسی و فارسی در متون ترجمه‌ای موجود، در این مقاله نیز از واژه سرهم‌بندی استفاده می‌شود.

13. Concrete

14. Discursivities/ expressivities

15. Materialities

16. Lines of force

17. Lines of subjectivation

۱۸. Subjectification؛ این واژه را سوئیژکتیوسازی نیز ترجمه کرده‌اند (نک به: پیمان و دیگران، ۱۳۹۹، ۱۵۲).

۱۹. Subjectivization؛ این واژه را سوژه‌منقادی‌سازی نیز ترجمه کرده‌اند (نک به: پیمان و دیگران، ۱۳۹۹، ۱۵۲).

۲۰. ریزوماتیک اشاره به ارتباطات افقی در مقابل ارتباطات سلسله‌مراتبی دارد. ریزوم یا زمین ساقه نوعی از گیاهان اند ساقه افقی دارند و در آنها نمی‌توان ریشه یا تنه اصلی و فرعی را از هم بازشناخت.

21. Distributed

22. Symbiotic nature

۲۳. این تفاوت ناشی از این است که فوکو بدن را طعمه نیروهای کنشگر و عاملیت را از آن دیسپوزیتیوهای قدرت می‌بیند. در حالی که در دلوز و گتاری عاملیت از آن میل و قدرت متأثر از میل است، نه علت آن (Bignal, 2008, 135-137).

24. Constituent power

۲۵. the virtual؛ در مقابل the actual یا امر بالفعل. معادل امر نهفته بر اساس ترجمه زهره اکسیری و پیمان غلامی برای این مقاله انتخاب شده است (نک به دلوز ۱۳۹۱، ۱۶۸). همچنین رضا سیروان در ترجمه کتاب «ژیل دولوز» برای این مفهوم معادل امر بالقوه را برگزیده است (نک به کولبروک، ۱۳۹۸، ۳۳).

26. Constitutive power

۲۷. دلوز و گتاری تصویری دورانی از گریز به تصویر می‌کشند. یعنی عناصر از یک آپاراتوس می‌گیرند (قلمروزدایی می‌کنند)، در آپاراتوس نوی دیگری بازتسخیر می‌شوند (تثبیت قلمرو) و دوباره می‌گیرند و این روند را تکرار می‌کنند. اما این تصویر به شکل ثابتی دورانی نیست یعنی هر گریز باعث می‌شود که بخشی از سیستم در هرج و مرج‌ها از یاد بروند و آپاراتوس‌های تسخیر تحلیل بروند (Deleuze & Guattari, 1977, 277 quoted in: Purcell, 2013a).

۲۸. تأکید بر گردشگری در پراتنز از این‌روست که گرچه در اخبار رسمی از سال ۱۳۹۹ به بعد از واژه شهرک کشاورزی برای این پروژه استفاده می‌شود ولی در گزارش‌های کدال بورس مجری طرح تأکید اصلی همچنان بر گردشگری است. در کنار این، در نقشه‌های منتشر شده در سایت مجری بیش از ۱۴۰ هکتار از این زمین همچنان کاربری «خانه‌های باغ» دارند. همچنین در اخبار رسمی هم از اینکه در این شهرک از گردشگران پذیرایی خواهد شد سخن می‌رود.

۲۹. cartographic methodology of tracing؛ پیمان و دیگران (۱۳۹۹: ۱۷۷) معادل نقشه‌برداری را برای واژه cartography برگزیده‌اند.

۳۰. قائل نبودن ذات فردی برای این عناصر، به معنای به رسمیت نشناختن استقلال و خودآیینی آنها و دیدن‌شان به مثابه افرادی مستحیل در کل نیست.

۳۱. این نامعلومی‌ها عمدتاً دو دلیل داشته‌اند: اول، محرمانه بودن برخی از اسناد در پرونده این تغییر کاربری، دو دیگر، مدون نبودن برخی از اطلاعات

۳۲. جلسات مصاحبه با برخی از عاملانی که دسترسی به آنها ممکن بود، بیش از یکبار - به دلیل دسترسی به داده‌های جدید یا متناقض - اتفاق افتاده است. همچنین کارشناسان مطلع در اداره محیط زیست و جهاد کشاورزی استان درخواست مصاحبه را رد نموده‌اند.

ردیف	مصاحبه شونده	تعداد جلسات	ردیف	مصاحبه شونده	تعداد جلسات
۱	کارشناس مطلع در شرکت عمران بهدشت چمستان	۱	۱۲	کارشناس مطلع سازمان نظام مهندسی استان	۲
۲	کارشناس مطلع در شرکت عمران بهدشت چمستان	۱	۱۳	عضو شورای شهر وقت چمستان	۱
۳	کارشناس مطلع در شرکت عمران و توسعه شاهد	۱	۱۴	عضو شورای شهر وقت چمستان	۱
۴	کارشناس مطلع طرح امکان‌سنجی و طراحی شهرک گردشگری	۱	۱۵	کارشناس مطلع از طرح جامع تفصیلی	۲
۵	کارشناس مطلع اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان	۱	۱۶	کارشناس مطلع طرح آمایش استان	۱
۶	نماینده وقت مجلس	۱	۱۷	کشاورز معارض	۱
۷	معاون وقت سازمان امور اراضی کشور	۲	۱۸	کشاورز معارض	۱
۸	کارشناس مطلع شهرداری چمستان	۳	۱۹	بنگاهی مطلع	۱
۹	کارشناس مطلع شهرداری چمستان	۱	۲۰	عضو دهیاری روستاهای اطراف	۱
۱۰	کارشناس مطلع شهرداری چمستان	۱	۲۱	عضو دهیاری روستاهای اطراف	۱
۱۱	کارشناس مطلع سازمان نظام مهندسی استان	۱	۲۲	-	-

۳۳. این روش تفاوت‌هایی با روش تحلیل مضمون پوزیتویستی و برساختی دارد؛ در اینجا، تحلیل مضمون بارد پیش فرض‌های پوزیتویستی، بر آن است که تحلیل کمی با مضامین ثابت از پیش معین، تنها می‌تواند همبستگی عوامل و الگوها در رویدادها را بازشناسد و از قضا، تبیین علی به جز از طریق تحلیل عمیق، مفصل، و اغلب کیفی به دست نمی‌آید. علاوه بر این، این رویکرد دو تفاوت مهم با تحلیل مضمون برساختی دارد؛ در حالی که رویکرد برساختی در پی روایت‌ها یا داستان‌های تفسیری درباره داده‌هاست، برونداد مورد انتظار تحلیل مضمون در این پژوهش تبیین علی با تأکید بر داده‌های کیفی است، و در حالی که اولی رهیافتی داده‌محورتر دارد، دومی بیشتر بر جنبه‌های نظریه‌محور تحلیل مضمون متمرکز است (Fryer, 2022, 13-14).

۳۴. معیار این طبقه‌بندی کیفیت زمین‌های کشاورزی برای کشت است. طبقه دو از نظر کیفیت در دومین سطح قرار می‌گیرد. ۳۵. البته تحویل این پرونده پس از ابلاغ صورتجلسه کارگروه فراقوه‌ای مبارزه با زمین‌خواری بود که عملاً فرایند تغییر کاربری از کشاورزی به گردشگری را متوقف کرد. علاوه بر این در طول سال‌های ۸۸ تا ۹۵ عملاً شرکت عمران بهدشت اقدامی برای پیشرفت پروژه و یا تمدید پروانه‌های خود انجام نداده بود. به این ترتیب، عملاً این برنامه منافعی برای سازمان همیاری شهرداری‌های استان نداشت.

۳۶. طبق اسناد ملکی این زمین از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۵ در سه مقطع از بانک کشاورزی وام دریافت کرده است.

۳۷. برای دریافت پروانه ساختمانی این شرکت در سال ۱۳۸۹ مبلغ ۷۸٫۶ میلیارد ریال به سازمان همیاری شهرداری‌های استان پرداخت کرده است (شرکت عمران و توسعه شاهد، ۱۳۹۱-۱۴۰۰).

۳۸. در این بند از خدماتی که مجازند در کمیسیون تبصره ۱ ماده ۱ تغییر کاربری بگیرند و از عوارض این تغییر کاربری معاف‌اند صحبت می‌شود. طبق این اصلاحیه گزاره «مورد نیاز مردم» به «خدمات عمومی» اضافه می‌شود.

۳۹. این ماده برای تشخیص زمین‌های ملی از زمین‌هایی است که قابلیت تملک خصوصی دارند. معیار این ماده قانونی برای این تصمیم سابقه احیا و آبادی در زمین است. یعنی اگر در زمینی کشت یا ساخت و ساز انجام شده باشند آن زمین قابلیت مالکیت خصوصی دارد.

۴۰. این گزاره‌ها در یکی از نامه شرکت عمران بهدشت چمستان در سال ۱۳۹۱ به سازمان همیاری برای گزارش عملیات شهرداری در تخریب حصار واقع در حریم آمده است.

فهرست منابع

- امکوایران (۱۳۸۷). طرح جامع ناحیه‌ای ساری. وزارت راه و شهرسازی ایران.
- ایسنا (۱۳۹۴). آن‌زمان که تغییر کاربری دادند کجا بودید! به آدرس <https://www.isna.ir/news/mazandaran-30922>
- پیمان، ساره، غلامی، پویا، غلامی، پیمان، و گنجی، ایمان (۱۳۹۹). دلوزگتاری. مشهد: کتابکده کسری
- دریفوس، هیوبرت و رایینو، پل (۱۳۹۹). میشل فوکو: فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک (مترجم: حسین بشیریه). تهران: نشر نی.
- دلوز، ژیل (۱۳۹۴). برگسونیسم (مترجمان: زهره اکسیری و پیمان غلامی). تهران: نشر روزبهان.

- سازمان همیاری شهرداری‌های استان مازندران (۱۳۹۵). پرونده زمین‌های بهداشت چمستان. وزارت کشور.
- فلویبر، بنت (۱۳۹۹). برنامه‌ریزی، فرونسیس، قدرت (مترجم: نریمان جهانزاد). مشهد: کتابکده کسری.
- کاورد، مارتین (۱۳۹۸). میان ما در شهر: مادیت، سوئزکنیوتیه و اجتماع در عصر شهری شدن جهانی (مترجم: نریمان جهانزاد). نشریه الکترونیکی فضا و دیالکتیک، ۱-۱۳.
- کارگروه فراقوه‌ای مبارزه با زمین‌خواری (۱۳۹۵). هفتمین صورتجلسه کمیته تخصصی کارگروه فراقوه‌ای مبارزه با زمین‌خواری. وزارت جهاد کشاورزی.
- کولبروک، کلر (۱۳۹۸). *ژیل دولوز* (مترجم: رضا سیروان). تهران: نشر مرکز.
- مازندطرخ (۱۳۸۸). گزارش تعیین توان اکولوژیک و برآورد ظرفیت محیطی - سند آمایش استان مازندران. استانداری مازندران.
- مازند نظام (۱۳۹۳). *انتقاد از تغییر کاربری ۲۰۰ هکتار از اراضی استان*. به آدرس <https://www.mazandnezam.org/fa/news/2165>
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱ الف). *مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در ۲۱ آذر ۹۱*. قوه مقننه جمهوری اسلامی.
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱ ب). *مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در ۱۷ بهمن ۹۱*. قوه مقننه جمهوری اسلامی.
- نمایوز (۱۳۹۳). مسئولان در برابر تغییر کاربری هزاران هکتار زمین کشاورزی در شمال کشور بی تفاوت هستند/ وزیر کشور پاسخ دهد، به آدرس: <https://www.namanews.com/News/83588>
- وسایت شرکت سرمایه‌گذاری شاهد (۱۴۰۱). به آدرس <https://shahed.co.ir>
- وسایت شرکت عمران بهداشت چمستان (۱۴۰۱). به آدرس <https://behdashtchamestan.com>
- وسایت شرکت عمران و توسعه شاهد (۱۴۰۱). به آدرس <https://omranshahed.com>
- هیلیر، جین، و آبراهامز، گراهام (۱۳۹۹). نظریه برنامه‌ریزی شهری در دلوز و گتاری، در ساره پیمان؛ پویا غلامی؛ پیمان غلامی؛ ایمان گنجی، *دلوزگتاری* (۱۴۹-۱۹۴). مشهد: کتابکده کسری.
- Alexander, E. R. (2002a). *the Public Interest in Planning: From Legitimation to Substantive Plan Evaluation. Planning Theory*, 1(3), 226-249.
- Alexander, E. R. (2002b). *Planning Rights: Toward Normative Criteria for Evaluating plans. International Planning Theory*, 7(3), 191-212.
- Alexander, E. R. (2006). *Evolution and Status: Where is Planning-Evaluation Today and How Did it Get Here?*, In: Ernest Alexander (Eds), *Evaluation in Planning* (3-17). Ashgate Publishing Company.
- Alexander, E. R. (2010). *Planning, Policy and the Public Interest: Planning Regimes and Planners, Ethics and Practices. International Planning Studies*, 15(2), 143-162.
- Alexander, E. R. (2013). *Values in Planning and Design: A Process Perspective on Ethics in Forming the Built Environment, Ethics, Design and Planning of the Built Environment*, In: Claudia Basta & Stefano Moroni (Eds.), *Ethics, Design and Planning of the Built Environment* (3-22). Springer.
- Anderson, B., Kearnes, M., McFarlane, C., Swanton, D. (2012). *On Assemblages and Geography. Dialogues in Human Geography*, 2(2), 171-189.
- Banfield, E.C., Meyerson, M. (1966). *Politics, Planning & the Public Interest: The Case of Public Housing in Chicago*. the Free Press.
- Bignall, S. (2008). Deleuze and Foucault on Desire and Power. *Angelaki: Journal of the Theoretical Humanities*, 13(1), 127-147.
- Campbell, H. (2010). *the Idea of Planning: Alive or Dead—Who Cares? Planning Theory & Practice*, 11(4), 471-475.
- Campbell, H. (2012). 'Planning Ethics' and Rediscovering the Idea of Planning. *Planning Theory*, 11(4)379-399 ..

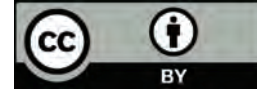
- Campbell, H., Marshall, R. (1998). Acting on Principle: Dilemmas in Planning Practice. *Planning Practice and Research*, 13(2), 117-128.
- Campbell, H., Marshall, R. (1999). Ethical Frameworks and Planning Theory. *International Journal of Urban and Regional Research*, 23(3), 464-478.
- Campbell, H., Marshall, R. (2000). Moral obligations, planning, and the public interest : a commentary on current British practice. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 27, 297 - 312.
- Campbell, H., Marshall, R. (2002). Utilitarianism's Bad Breath? A Re-Evaluation of the Public Interest Justification for Planning. *Planning Theory*, 1(2), 163-187.
- Dikec, M. (2005). Space, Politics, and the Political. *Environment and Planning D: Society and Space*, 23(2), 171-188.
- Deleuze, G., Parnet, C. (1977). *Dialogues*. Columbia University Press.
- Fainstein, N. I, Fainstein, S. (1982). New Debates in Urban Planning: The Impact of Marxist Theory within the United States. In: Chris Paris (Ed), *Critical Readings in Planning Theory* (147-173). Pergamon Press.
- Foucault, M. (1980a). *Power| Knowledge: Selected Interviews and Other Writings 1972-1977*, Edited by Colin Gordon. New York : Pantheon Books.
- Foucault, M. (1980b). *Power, moral values, and the intellectual*. Manuscript, Foucault Archives, Bibliotheque du Saulchoir, Paris.
- Foucault, M. (1984). *the Foucault Reader*, edited by Paul Rabinow. Vintage.
- Fryer, T. (2022). A Critical Realist Approach to Thematic Analysis; Producing Causal Explanation. *Journal of Critical Realism*, 21(2), 1-20.
- Gunder, M. (2003). Passionate Planning for the Others' Desire : An Agonistic Response to the Dark Side of Planning. *Progress in Planning*, 60, 235- 319.
- Gunder, M. (2005). Lacan, Planning and Urban Policy Formation. *Planning Theory*, 23(1), 87-107.
- Gunder, M. (2015). Critical Planning Theory, in: James D. Wright (Eds), *International Encyclopedia of the Social and Behavioral Science*, Vol. 5 (225-260). Oxford : Elsevier.
- Gunder, M., Hillier, J. (2007). Planning as Urban Therapeutic. *Environment and Planning*, 39, 467-486.
- Gunder, M., Hillier, J. (2016). *Planning in Ten Words or Less: A Lavanian Entanglement with Spatial Planning*. Routledge.
- Harvey, D. (1978). on Planning the Ideology of Planning, In: Robert W. Burchell and George Sternlieb (Eds.), *Planning Theory in the 1980s: A Search for Future Directions* (165-184). Center for Urban.
- Hillier, J. (2003). 'Agon'izing over Consensus: Why Habermasian Ideals cannot be 'Real'. *Planning Theory*, 2(1), 37-59.
- Hillier, J. (2007). *Stretching Beyond the Horizon, a Multiplanar Theory of Spatial Planning and Governance*. Routledge.
- Hillier, J. (2008). Plan(e) Speaking: A Multiplanar Theory of Spatial Planning. *Planning Theory*, 7(1), 24-50.
- Hillier, J. (2011a). Encountering Gilles Deleuze in another Place. *European Planning Studies*, 19(5), 861-885.
- Hillier, J. (2011b). Strategic Navigation across Multiple Planes Towards A Deleuzean-Inspired

- Methodology for Strategic Spatial Planning. *TPR*, 82(5), 503-527.
- Hillier, J., Gunder, M. (2003). Planning Fantasies? an Exploration of a Potential Lacanian Framework for Understanding Development Assessment Planning. *Planning Theory*, 2(3), 225-248.
 - Hillier, J., Gunder, M. (2005). Not Over Your Dead Bodies! A Lacanian Interpretation of Urban Planning Discourse and Practice. *Environment and Planning*, 37, 1049 - 1066.
 - Hook, D. (2007). *Foucault, Psychology and the Analytics of Power*. Palgrave Macmillan
 - Huxley, M. (2002). Governmentality, Gender, Planning: A Foucauldian Perspective, In Philip Allmendinger and Mark Tewdwr-Jones (Eds), *Planning Futures: New Directions for Planning Theory* (136-154). Routledge.
 - Klosterman, R. E. (2012). Arguments for and Against Planning, In S. Feinstejn & J. Defilippis (Eds), *Readings in Planning Theory* (169-186). Wiley-Blackwell.
 - Klosterman, R. E. (1980). A Public Interest Criterion. *Journal of the American Planning Association*, 46(3), 323-333.
 - Miraftab, F. (2016). Insurgency, Planning and the Prospect of a Humane Urbanism. *Global Crisis, Planning and Challenges to Spatial Justice in the North and the South*, Rio de Janeiro, Brazil.
 - Moroni, S. (2004). Towards a Reconstruction of the Public Interest Criterion. *Planning Theory*, 3(2), 151-171.
 - Moroni, S. (2006), Planning, Evaluation and the Public Interest, In Ernest Alexander (Ed.), *Evaluation in Planning* (55-71). Ashgate Publishing Company.
 - Moroni, S. (2018). Constitutional and post-constitutional problems: Reconsidering the issues of public interest, agonistic pluralism and private property in planning. *planning theory*, 16, 1-19.
 - Ploger, J. (2004). Strife: Urban Planning and Agonism. *Planning Theory*, 3(1), 71-92.
 - Ploger, J. (2008). Foucault's Dispositif and the City. *Planning Theory*, 7(1), 51-70.
 - Purcell, M. (2013a). A New Land: Deleuze and Guattari and Planning. *Planning Theory & Practice*, 14(1), 20-38.
 - Purcell, M. (2013b). The Right to the City: The Struggle for Democracy in the Urban Public Realm. *Policy & Politics*. 41(3), 311-327.
 - Purcell, M. (2016a). Planning in the spirit of Deleuze and Guattari? Considering Community-Based Food Projects in the United States and Mexico. *Urban Geography*, 38(4), 1-16.
 - Purcell, M. (2016b). Our New Arms, In Springer, Simon; Birch, Kean; MacLeavy, Julie, (Ed.), *The Handbook of Neoliberalism* (613-622). New York: Routledge.
 - Purcell, M. (2016c). For Democracy: Planning and Publics without the State. *planning theory*, 15(4), 386-401.
 - Purcell, M. (2016d). Urban Democracy beyond Deleuze and Guattari, In: Helene Frichot; Catharina Gabriellsson; Jonathan Metzger (Eds), *Deleuze and the City* (95-110). Edinburgh University Press.
 - Richardson, Tim (1996), Foucauldian Discourse: Power and Truth in Urban and Regional Policy Making. *European Planning Studies*, 4(3), 279-292.
 - Ruddick, S. (2012). Power and Problem of Composition. *Dialouge in Human Geography*, 2(2), 207-211.
 - Storper, M., Scott, A.J. (2016). Current Debates in Urban Theory: A Critical Assessment. *Urban Theory*, 35(6), 1-23.

- Patton, P. (2000). *Deleuze and the Political*. Routledge.
- Yiftachel, O. (2001). Can Theory be Liberated from Professional Constraints? On Rationality and Explanatory Power in Flyvbjerg's Rationality and Power. *International Planning Studies*, 6(3), 251-255.
- Yiftachel, Oren, (1998). Planning and Social Control: Exploring the Dark Side. *Journal of Planning Literature*, 12(4), 395-406.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Journal of Architecture and Urban Planning. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

زندیه، سمیه و صرافى، مظفر (۱۴۰۲). تحلیل انگاره منفعت عمومی در برنامه‌ریزی با روش ردیابی نقشه‌نگارانه؛ بررسی موردی یک برنامه تغییر کاربری زمین در چمستان. نشریه علمی نامه معماری و شهرسازی، ۱۵(۳۹)، ۲۹-۵۳.



DOI: 10.30480/AUP.2022.4475.1974

URL: http://aup.journal.art.ac.ir/article_1112.html

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

An Analysis of the Notion of Public Interest in planning through a Cartographic Methodology of Tracing A Land–Use Conversion Plan in Chamestan as a Case Study

Somayeh Zandieh

Ph. D. Candidate in Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
(Corresponding Author)

Mozafar Sarrafi

Professor, Department of Urban and Regional Design and Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abstract

The notion of public interest has had a critical role in planning thought and practice. It has identified and legitimated planning as a discipline and a profession. However, it is an ambiguous and vague concept at the same time, and there have been countless debates on its nature and definition. Various experimental and concrete analyses of the planning practices have demonstrated a gap between what is theoretically defined as public interest and what comes to actualize in practice. This gap is a crucial reason for the de–legitimization of contemporary planning. Accordingly, the role of government and the planning system as the representative and advocates of the public has increasingly been questioned. Such criticisms aim to raise the awareness of planners about the claimed public interest and their role in the maintenance of power relations, pretending to support the public interest. And such self–awareness is a prerequisite for any ontological transformation in planning and its so–called public interest. In Iran, planning has emerged in an entirely different context from democratic countries. Consequently, it is even more complicated to reflect on the public interest as the final cause for planning. In this context, one possible way to increase the self–awareness of planners is to reflect on what has happened in reality. This article aims to uncover the planning reality in Iran and its relation to the notion of public interest. Thereby, it focuses on a land–use conversion plan in Chamestan through a cartographic methodology of tracing. It is a methodology based on Deleuzian pragmatics and Foucauldian genealogy, developed by Jean Hillier in planning. Using this analytical framework, this article addresses three questions: which assemblages have emerged, and how have they come into being? What relations (games of power, knowledge, and subjectivation) have existed between which actants? And which assemblage has served constituent power, and which one has increased the potential of constitutive power? The results of this research show there have emerged three assemblages with shared interest during the process of this plan. To advocate its position and justification, each assemblage uses its formal and informal authority and power (such as the power to issue permission for land use conversion, voting right, money, and so on), produces new knowledge and technical documents (such as feasibility plan, or environmental impact assessment plan and so on), and subjectivizes both themselves (as the advocate of the public, the experts, and so on) and the other actant (as the bothersome, the squatter, the populist). These relations in and between the assemblages imply that what determined the final decision in this process has not been the public interest but the games of power by the assemblages, who were advocating their individual or organizational interests. However, there is a trace of constitutive and destabilizing forces in this planning process, including the actants who escape the apparatuses of capture and do not obey the rules of the formal planning system.

Keywords: Public interest, land use conversion, cartographic methodology of tracing, assemblage, Chamestan